

Challenges and Opportunities of Intervention of Social Workers in the Trial Process of Delinquent Juveniles: with Emphasis on the Views of Some Judges

Hossein Yahyazadeh

Associate Professor, Department of Social Work, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Salaheddin Ghaderi

Assistant professor, department of sociology, Kharazmi University

Hossein Gholami

Professor, department of criminal law and criminology, Allameh Tabataba'i University

Fatemeh Hosseini *

Ph.D. Candidate of Social Work, department of social work, Allameh Tabataba'i University

Abstract

In recent years, several laws have been drafted and approved for the presence of social workers in juvenile proceedings, but they are still not implemented. The purpose of this research is to identify the challenges and opportunities of intervention of social workers in the process of juvenile proceedings from the point of view of judges in order to provide plans to improve the position of social workers. Due to the fact that in Iran's judicial system, judges are responsible for the implementation of the law and the non-implementation law is a large extent directed at them, therefore, in this article, the challenges and opportunities of social workers' intervention in juvenile proceedings were questioned. The qualitative research method is based on interviews with thematic analysis technique. Purposive sampling method was available. The studied people include 17 judges. The findings show that the judges agreed on the necessity of the presence of social workers in the judicial system, especially juvenile proceedings. The main focus of the answers are concepts such as professional weakness, system inefficiency as challenges, restorative interventions and facilitating exit from proceedings as an opportunity for the presence and intervention of social workers.

Keywords: Social Worker, Trial, Adolescents, Delinquency

* Corresponding Author: ho3ini_f@yahoo.com

How to Cite: Hossini, F; Yahyazadeh Pirsaraee, H; Ghaderi, S; Gholami, H. (2022). Challenges and opportunities of intervention of social workers in the trial process of delinquent juveniles: with emphasis on the views of some judges, *Journal of Social Work Research*, 9 (32), 143-188.



چالش‌ها و فرصت‌های مداخله مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار: با تأکید بر دیدگاه برخی قضات

- حسین یحیی‌زاده پیرسرائی ^{id} استادیار گروه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- صلاح‌الدین قادری ^{id} استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
- حسین غلامی ^{id} استاد گروه حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- فاطمه حسینی * ^{id} دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

در سال‌های اخیر قوانین متعددی برای حضور مددکاران اجتماعی در دادرسی نوجوانان تدوین و تصویب شده؛ اما هنوز اجرا نمی‌شود. از این‌رو هدف این پژوهش شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های مداخله مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان از دیدگاه قضات به منظور ارائه طرح‌هایی جهت بهبود جایگاه مددکاری اجتماعی است. با توجه به اینکه در سیستم قضایی ایران قضات مسئول اجرای قانون هستند و عدم اجرای قوانین تا حدود زیادی متوجه آنان است، از این‌رو در این مقاله درباره چالش‌ها و فرصت‌های مداخله مددکاران اجتماعی در دادرسی نوجوان مورد سؤال قرار گرفتند. روش پژوهش کیفی مبتنی بر مصاحبه با تکنیک تحلیل تماتیک (مضمونی) است. روش نمونه‌گیری هدفمند با استراتژی در دسترس بود. افراد مورد مطالعه شامل ۱۷ قاضی است. یافته‌ها نشان می‌دهد قضات بر ضرورت حضور مددکاران اجتماعی در سیستم قضایی به خصوص دادرسی نوجوانان موافق بودند. محور اصلی پاسخ‌ها مفاهیمی چون ضعف حرفه‌ای، ناکارآمدی سیستمی به عنوان چالش‌ها، مداخلات ترمیمی و تسهیل خروج از دادرسی به عنوان فرصت حضور و مداخله مددکاران اجتماعی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مددکار اجتماعی، دادرسی، نوجوانان، بزهکاری

مقدمه و طرح مسئله

ارتکاب به جرم واکنش‌هایی از سوی جامعه به دنبال دارد مردم به‌ناچار به نقص ارزش‌ها و هنجارهایی که مورد وفاق آنان است واکنش نشان می‌دهند، اما در مورد واکنش به بزهکاری نوجوانان با ملایمت برخورد می‌شود تا ضمن حفظ هنجارها و جبران تخطی وارده، نوجوانان نیز اصلاح شوند. مفهوم بزهکاری به جرائم افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود. سازمان ملل "نوجوانی" را سن بین ۱۵ تا ۲۴ سال تعریف می‌کند. اصطلاح "بزهکاران کودک" در اشاره به کودکان زیر ۱۳ سال می‌باشد که مرتکب یک عمل مجرمانه شده‌اند (Yong et al, 2017: 21). با توجه به علل بزهکاری و ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی دوره نوجوانی محاکم جداگانه‌ای با ترتیبات خاص اصلاحی در اکثر کشورهای دنیا با توجه به اجرای سیاست‌های متفاوت کیفری دایر است.

رفتار بزهکارانه نوجوانان را به‌عنوان نوعی بیماری عفونی اجتماعی مدل‌سازی می‌کنند؛ زیرا اعتقاد دارند این بیماری توسط همسالان به جامعه انتقال و تسری می‌یابد و اگر اصلاح نشود جامعه را آلوده می‌کند (Sooknanan, 2018: 60). اغلب جرائم کودکان بازتاب شکست دولت‌ها در حمایت و محافظت از آنان است. نوجوانان زمانی که در مقابل یا در مخالفت با قانون رفتاری ناهنجاری مرتکب می‌شوند، نیازمند حمایت هستند؛ زیرا آنان نه به‌عنوان فرد بزهکار بلکه قربانی تلقی می‌شوند. یک سیستم قضایی عدالت‌محور برای کودکان و نوجوانان باید با قوانین بین‌المللی منطبق باشد، رفاه کودک را ارتقا بخشد. واکنش به جرم باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی نوجوان باشد تا به پیشگیری از جرم کمک کند.

تصمیمات قضایی باید بهترین منافع نوجوان را تأمین و درمان کند و در جهت رشد و اعتلای او باشد، همچنین به بازتوانی و ادغام مجدد نوجوان در جامعه کمک کرده تا بتوانند در آینده نقش مؤثری در جامعه خود بر عهده بگیرند. با توجه به اهمیت دوره نوجوانی مجازات و تنبیه نه تنها مانع کاهش انحراف و اصلاح رفتار نمی‌شود؛ بلکه برچسب مجرم بودن در آینده آسیب‌های برای نوجوان ایجاد می‌کند. سلب آزادی آنها از طریق بازداشت

صدمات جسمی و روانی پرهزینه‌ای در بلندمدت به جا می‌گذارد. زندان تأثیرات جانبی فراوانی در این سن به دنبال خواهد داشت و باید از آن اجتناب شود، نوجوانان بزهکار هنگامی که به دنبال ارتکاب جرائم سنگین و غیرقابل‌گذشت به مجازات زندان محکوم می‌شوند و برچسب بدنامی دریافت می‌کنند. از فرصت‌های اجتماعی، آموزش، اشتغال و ارتباطات خانوادگی محروم می‌شوند (Kurye et al. 2016: 123).

بررسی‌ها نشان می‌دهد پلیس و مراکز قضایی بر روی نوجوانان تأثیر منفی داشته و رویکرد سرکوبگرانه دارند، میزان تکرار جرم را تقویت می‌کنند، به مسائل مربوط به دوره بلوغ نوجوانان توجه نکرده و الگوهای رفتار ضداجتماعی را از طریق برچسب زدن تشدید خواهد کرد. هرگاه نوجوان تحت برنامه حمایتی و درمانی خاصی قرار نگیرند، نرخ بازگشت جرم از ۶۰ درصد به ۸۰ درصد افزایش یافته است و زمانی که برنامه درمانی به‌منظور اصلاح رفتار نوجوانان بزهکار اجرا شد حدود ۹ درصد کاهش تکرار جرم گزارش شده است. تکرار جرم نشان‌دهنده فروپاشی نظم اجتماعی است (Mathys, 2017: 319-320). برخی مطالعات نشان داده است که رفتارهای بزهکارانه مستمر نتیجه‌بخش بزرگی از فعالیت‌های مجرمانه در دوره خردسالی است.

مطالعه اورگان از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ نشان داد که مجرمان مزمن در ۵۰٪ از جرائم جدید دخیل بوده‌اند عواملی مانند مدت‌زمان مواجهه نوجوان با سیستم قضایی، نوع و شدت مجازات اعمال‌شده یا احکام صادره در پیش‌بینی میزان تکرار جرم مؤثرند (Paretta, 2018: 139). تحقیقات نشان داده است، نوجوانانی که مجدداً مرتکب جرم می‌شوند در مدت کوتاهی پس از آزادی رفتار نابهنجار خود را تکرار می‌کنند. در مطالعه‌ای از بین آزمودنی‌هایی که در طی یک سال پس از ترخیص مجدداً مرتکب جرم شدند، ۶۱ درصد آنها طی شش ماه بعد دادرسی مجدداً رفتار مجرمانه انجام دادند.

تحقیقات دیگر نشان داده است، زمانی که یک انتقال بسیار ساختاریافته امن همراه با تسهیلات برای هدایت نوجوانان به جامعه اجرا شود به‌طور چشمگیر تکرار جرم کاهش داشته است. این انتقال به‌طور کلی شامل آماده‌سازی نوجوانان برای ورود مجدد به جامعه

خود و ایجاد حمایت‌ها و منابعی است که عوامل آسیب‌زا و محافظتی را هم‌زمان با هم در نظر می‌گیرد. (forbes, 2019: 26). طی بررسی و تجربه پژوهشگر در طول سال ۱۳۹۵، ۳۷۰۰ پرونده نوجوانان بزهکار از کلانتری‌های سطح شهر تهران به مجتمع شهید فهمیده ارجاع شده‌اند. در سال ۱۳۹۶ این تعداد به ۳۷۳۲ مرد افزایش پیدا کرد و در طی سال ۱۳۹۷ با ۱۲ مورد کاهش به ۳۷۲۰ مورد رسید. از این تعداد ۱۰۰ نفر نوجوان پسر و ۷ نفر دختر به زندان و طی محکومیت خود در کانون اصلاح و تربیت محکوم شدند. مابقی با دستور به حضور در نماز جماعت یا جریمه نقدی و یا با رضایت طرفین ختم دادرسی شدند.

نکته قابل‌توجه رهاسازی این افراد ناقص قانون در جامعه بدون اینکه مسئولیت جرم خود را پذیرفته باشند و علل ارتکاب به رفتار منجر به جرم مشخص و درمان شوند. این نوجوانان بدون شک تحت شرایط فردی یا محیطی معیوبی قرار داشته‌اند که مرتکب چنین رفتاری شدند و حال برجسب بزهکاری نیز به آنان افزوده شده است. با این اوصاف پیش‌بینی وضعیت این نوجوانان و ورود مجدد آنها به جرگه بزرگسالان بزهکار امر دشواری نیست؛ بنابراین دادگاه‌های نوجوانان باید به مراکز اصلاحی و تربیتی تبدیل شوند. این مراکز بهتر است تحت نظارت حرفه‌هایی از قبیل مددکاری اجتماعی به‌عنوان حرفه‌ای بین‌رشته‌ای جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرار گیرد.

مددکاری اجتماعی یکی از نهادهای مؤثر در پیشگیری از جرائم و بزهکاری می‌باشد که با دخالت به‌موقع و ارائه راهنمایی‌ها و مداخلات مؤثر و زود هنگام در پی کاهش جرائم و تکرار آن می‌باشد. استفاده و به‌کارگیری مددکاران اجتماعی در حوزه کودکان و نوجوانان بزهکار می‌تواند به بهبود شرایط و روند رسیدگی آنان کمک کرده و یاری‌رسان سیستم قضایی باشد. مددکار اجتماعی با تنوع ابزار و روش‌های مداخلاتی خود در کنار دیگر نهادهای کیفری سعی می‌کند به حل مسئله بزهکاری و بزه‌دیدگی کمک نماید، این در حالی است که نقش مددکاران اجتماعی در دادگاه اطفال و نوجوانان بسیار کم‌رنگ است و قضات همچنان حاکمان بلا‌منازع سیستم قضایی هستند.

در حال حاضر ۱ الی ۲ نفر مددکار اجتماعی به عنوان مأمور به خدمت از سازمان بهزیستی حضور دارند وظیفه آنها تکمیل پرونده شخصیت نوجوانان که شامل چندین سؤال بسته است و خدمات دیگری ارائه نمی دهند. نگرش کیفی محور به قاضی قدرت زیادی تفویض می کند که به معنای عدم توجه سیستم به رویکرد اصلاحی است رویکرد کیفی بر تنبیه بزهکار تا اصلاح رفتار او تأکید بیشتری می شود. از این رو اگر هدف این است، در دادرسی نوجوانان احکام اصلاحی جای احکام تنبیهی را بگیرد باید علاوه بر تدوین و تغییر قوانین، نگرش قضات نیز تغییر یابد.

علی رغم اهمیت حرفه مددکاری اجتماعی در سیستم های اصلاح محور، بدون پذیرش مددکاران اجتماعی از سوی قضات نمی توان به هموار کردن مسیر تغییر امیدوار بود. در این پژوهش تلاش شد چالش ها و فرصت های مداخله مددکاران اجتماعی از دیدگاه قضات مورد بررسی قرار گیرد؛ لذا به صورت مشخص قصد بر این است، موانع و چالش های حضور مددکاران اجتماعی در دادرسی اطفال و نوجوانان از دیدگاه قضات بررسی و به ارائه راهکارهای پیشنهادی همچنین جلب نظر و همکاری قضات درباره فراهم نمودن سازوکارهای لازم جهت مداخلات مددکاری اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار پردازد. در این راستا تحقیق حاضر در پی پاسخگویی این سؤال می باشد: موانع و چالش های حضور مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار چیست؟

ادبیات تجربی پژوهش

ندایکیو^۱ در تحقیق پایان نامه دوره کارشناسی ارشد سال ۲۰۰۸ با موضوع "نجات جوانان: بینش مددکاران اجتماعی نسبت به پیشگیری از وقوع جرائم نوجوانان در سوئد" به این نتیجه می رسد: بر اساس عقیده مددکاران اجتماعی، آن ها می تواند اقدامات زیادی را برای بهبود سیستم عدالت اطفال و نوجوانان در سوئد انجام دهند. زیرا تصور این است که این سیستم به درستی عمل نمی کند. مددکاران اجتماعی فشار اجتماعی، قوانین متناقض، عدم

1. Ndikchu

ادغام اجتماعی مناسب برای نوجوانان مهاجر و سوءمصرف مواد مخدر را از جمله موانع اجرای عدالت در مورد نوجوانان بزهکار می‌دانند.

میلر^۱ سال ۲۰۱۴ در مقاله‌ای با عنوان «جرائم نوجوانان و عدالت کیفری نوجوانان: مدل‌ها، الگوها و دلالت‌هایی برای مداخله قانونی و کلینیکی» اشاره می‌کند؛ عوامل اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی همچنین اختلال‌های رفتاری در بروز رفتار بزهکارانه نوجوانان مؤثر است. به این ترتیب موفقیت روش‌های مداخله برای اصلاح رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان معجز به نوع جرم ارتكابی آنها و همخوانی و جامعیت روش‌های مداخله درمانگران مختلف بستگی دارد.

پژوهش دیگر در سال ۲۰۱۰ توسط کاکس^۲ با عنوان «همگرایی اصلاحات و سیاست‌های عدالت کیفری نوجوانان در ویتنام جدید» بر گسترش رویکرد جامعه‌ای به عدالت کیفری با گسترش مشاوره و آموزش نوجوانان تأکید می‌کند. سال ۲۰۱۷ در تحقیقی با عنوان «مدل ریاضی برای درمان رفتار نوجوانان بزهکار» سوکنانان^۳ و همکارش یک مدل ریاضی را به این شرح برای پیشگیری از بروز و تکرار جرم تدوین می‌کند؛ این مدل می‌گوید؛ چون نوجوان قدرت تشخیص رفتارهای مجرمانه را ندارد دولت‌ها باید شرایط بروز جرم را کنترل کنند. بر اساس این مدل ابتدا باید مشکل تعریف و عوامل محافظت از خطر شناسایی شوند، این عوامل الگوهای آسیب‌پذیری را تعیین می‌کنند.

ماتیس^۴ ۲۰۱۷ در پژوهشی با موضوع «مؤلفه‌های مؤثر مداخلات در مراکز دادرسی نوجوانان: چگونه می‌توان از نوجوانان بزهکار مراقبت کرد؟» می‌گوید مداخلات درمانی باید به جای اینکه به نظارت و بازدارندگی از جرم متکی باشند از تغییر در رفتار نوجوانان بزهکار حمایت کنند. مداخلات باید مبتنی بر تحقیقات، محیط زندگی و پرونده شخصیت نوجوانان طراحی شود تا بدانیم چه چیزی برای چه کسی مؤثر است.

-
1. Lawrence Miller
 2. Pamela Cox
 3. Gsoknanan
 4. Cecil Matisse

در تحقیق دیگر توسط غلامی ۱۳۹۲ با عنوان «الگوها یا گونه‌هایی عدالت کیفری اطفال» به تبیین مهم‌ترین گونه‌های پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال و بیان مختصر برخی آثار و نتایج آن پرداخته شده است. بنی‌هاشم کهنگی و همکاران ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان «نگرش‌های اخلاقی اصلاح مدار مجازت‌های سلب آزادی اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان» به این نتیجه رسیدند که قوانین ایران در زمینه حبس، اعدام و قصاص نوجوانان بزهکار با قوانین بین‌المللی باید هماهنگ شود و تعیین مجازات جایگزین (کیفرزدایی) مورد حمایت قرار گیرد. اعتباری سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه مددکاری اجتماعی در حمایت از کودکان بزه دیده و بزهکار» بیان می‌کند: نظام عدالت کیفری ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر از رهگذر لوایح قضایی تهیه‌شده، در حال حرکت به سمتی است که نقش‌ها و وظایف مختلفی را به مددکاران اجتماعی واگذار نماید.

بررسی این تحقیقات نشان می‌دهد روش تحقیق اغلب آنها اسنادی و کتابخانه‌ای است هرچند پژوهشی درباره مدل مداخله مددکاری اجتماعی در سیستم قضایی کشورها یافت نشد؛ اما اغلب لزوم توجه به مداخلات و احکام اصلاح نگر در فرایند دادرسی تأکید دارند و برای اجتناب از عدالت تنبیهی پیشنهادهایی ارائه دادند که همسو با برنامه‌های مداخلاتی مددکاران اجتماعی است. اما این پژوهش‌ها به چگونگی اجرای این روش و مداخلات اصلاحی اشاره نکردند در حالی که مددکاران اجتماعی به‌عنوان رابط بین محاکم قضایی و جامعه در عین حال با دارا بودن نگرش سیستمی می‌تواند بهترین مجری این برنامه‌های اصلاح‌محور برای بزهکاران باشد.

بنابراین در این پژوهش سعی بر این است. نگرش قضات را نسبت به چالش‌ها و فرصت‌های حضور مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار بررسی کند. با توجه به اینکه قضات قدرت حاکم بر سیستم قضایی هستند از طرفی مددکاران اجتماعی نزدیک‌ترین ارتباط حرفه‌ای را با قضات دارند، بنابراین آگاهی از نگرش آنها جهت بهبود جایگاه مددکاری اجتماعی اهمیت بسیار زیادی دارد.

ادبیات نظری

ادبیات نظری این تحقیق به گونه‌ای ترکیبی انتخاب شده و نظریاتی را مدنظر قرار داده است که ما را در تبیین سطوح و جنبه‌های مختلف مدل مداخله‌ای مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار، یاری رساند. بینش نظری این پژوهش برگرفته از مباحث نظری موجود در حوزه عدالت ترمیمی و مباحث حوزه مددکاری اجتماعی است. سه رویکرد در حوزه قضایی از قبیل عدالت ترمیمی، الگوی اصلاحی، الگوی عدالت‌گرا انتخاب و مطرح شده است.

رویکرد عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی به‌عنوان رویکردی برای مقابله با جرم تلقی می‌شود عدالت ترمیمی به دنبال آن است تا آنهایی را که آسیب ایجاد کرده‌اند با آنهایی که آسیب‌دیده‌اند، همراه کند. رویکرد عدالت ترمیمی به دنبال اصلاح، بازسازی یا جبران خسارت در روابط بین بزهکار با قربانی و جامعه است، این رویکرد از قربانیان برای غلبه بر زبانی که تجربه کرده‌اند حمایت می‌کند. به مجرم کمک می‌کند تا تأثیر اعمال خود را درک نمایند و در صورت امکان، جوامع را برای حمایت از قربانیان و مجرمان درگیر می‌کند. علاوه بر این، فرایند ترمیمی می‌تواند «گفت‌وگویی دوطرفه» بین قربانیان و مجرمان را تسهیل نماید و قربانیان را قادر می‌سازد تا صدایی آنان شنیده شود (Hobson et al., 2021: 1).

تعاریف متعددی از عدالت ترمیمی ارائه شده است؛ ولی یکی از تعاریف پذیرفته شده تعریف تونی مارشال جرم‌شناس انگلیسی است. او عدالت ترمیمی را فرایندی تعریف می‌کند که در آن کلیه کسانی که در ارتباط با یک جرم سهمی دارند گرد هم می‌آیند تا به‌طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم گرفته و راه‌حلی بیابند (غلامی، ۱۳۹۸: ۹). این رویکرد به دنبال این است نوجوان بزهکار مسئولیت رفتار خطای خود را بپذیرد و به‌جای اینکه تنبیه شود صدمات

وارده را جبران نماید. عدالت ترمیمی با تلفیق دو مدل تنبیهی و اصلاحی به دنبال پاسخ‌دهی به صورت جبران خسارت و صدمات است که با ارتکاب جرم به وجود می‌آید.

رویکرد رفاه‌گرا

در الگوی سیاست‌گذاری رفاه‌گرا شهروندان با دریافت خدمات و رفع نیازهای آنان ظرفیت لازم برای بهنجار ماندن را دارند. رفاه‌گرایی به علل و شرایط بزهکاری توجه دارد. در این رویکرد، بزهکاری ناشی از انواع عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... است که فرد در انتخاب و مواجهه با آنها هیچ اختیاری ندارد و بنابراین نمی‌تواند در مقابل نتایج ناگوار و ناخوشایند آن از جمله بزهکاری، به‌تنهایی مسئول باشد و باید از او حمایت شود. "رفاه‌گرایی بر این امر مهم تأکید دارد که هرگونه اقدام یا تصمیمی که مسئولان حوزه نظام عدالت کیفری برای نوجوانان اتخاذ می‌کنند، می‌بایست بر رعایت منافع عالی آنها باشد" (منصورآبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۶).

بنابراین وظیفه سیستم عدالت کیفری توجه به نیازهای این گروه است نه اینکه مجازات کند. الگوی رفاهی به پیشگیری و مداخله زودرس به‌منظور از بین بردن علل به وجود آورنده جرم تأکید دارد و نهادهای مختلف خدمات اجتماعی از جمله بهزیستی، مددکاری و... عهده‌دار این امر کردند.

طبق رویکرد رفاهی دادگاه‌های نوجوانان، در جوامعی که مملو از نابرابری‌های ساختاری هستند، اغلب در امتداد خطوط نژادی، قومیتی، جنسیتی، طبقه و ناتوانی همچنین نابرابری آموزشی، اشتغال، مراقبت‌های بهداشتی-درمانی، مسکن و اجرای قانون عمل می‌کنند. این نابرابری‌های ساختاری می‌توانند عمیقاً بر زندگی روزمره و شانس‌های زندگی آینده کودکان تأثیر بگذارند و به‌طور قابل‌توجهی احتمال اینکه محروم‌ترین کودکان به‌طور نامتناسبی در دادگاه نوجوانان حاضر شوند را افزایش می‌دهد. کاوش در معنا و مفاهیم اصل برابری عملکرد و تصمیم‌گیری دادگاه نوجوانان را به‌شدت پیچیده می‌کند.

این نوجوانان باید از فرصت‌های برابر توان‌بخشی جهت ادغام مجدد در جامعه برخوردار باشند (Brink, 2021: 6).

رویکرد رفاه‌گرایان و عمدتاً مبتنی بر نظریات اثبات‌گرایان و متأخرتر الگو شناسی جرم است که بر نقش جامعه و انواع مختلف ساختارها و فرایندهای آن در سوق دادن فرد به سمت انحراف و جرم تأکید می‌کند. بر اساس این رهیافت، تأکید اصلی باید بر از بین بردن علل و زمینه‌های جرم همراه با تلاش برای بازپروری مجرمان یا بزهکاران صورت گیرد.

الگوی عدالت‌گرا

الگوی عدالت کیفری تحت تأثیر مکتب کلاسیک حقوق کیفری، بر ضرورت واکنش جزایی و تنبیه نسبت به مجرمان و حتی اطفال تأکید می‌نماید. در این الگو با توجه به آزادی اراده بزهکاران، حسابگری جزایی آن‌ها، اطفال پس از رسیدن به مقطع سنی خاص که اصولاً هیچ معیار مشخص روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی نیز ندارد، توسط به پاسخ‌های جزایی و به‌خصوص مجازات، نه تنها عادلانه است؛ بلکه بازدارنده نیز تلقی می‌شود. این رویکرد بر بازدارندگی و تناسب جرم و مجازات بسیار تأکید می‌کند. عدم توجه به علل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و خانوادگی رفتار نابهنجار و اصلاح آن همچنین کاهش سن مسئولیت کیفری از جمله آثار این مدل است.

در این الگو مجازات و استفاده از آن برای بازدارندگی یا اجرای عدالت، مطلوب قلمداد می‌شود. الگوی عدالت کیفری ضمن تأکید بر ضرورت محاکمه اطفال در فرایند کیفری متداول که عمدتاً برای بزرگسالان بزهکار تدارک دیده شده است، تفاوت‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و زیست‌شناختی میان اطفال و بزرگسالان را نادیده می‌گیرد و با تمرکز بر مفهوم مسئولیت کیفری و عناصر آن، به توجیه واکنش‌های کیفری سخت‌گیرانه نسبت به اطفال بزهکار می‌پردازد (غلامی، ۱۳۹۲: ۹۵).

این رویکرد در کار با نوجوانان رویه مناسبی نیست؛ زیرا نوجوان نیازمند اصلاح و بازپروری هستند و از نظر عقلی و عدلی نمی‌توان افرادی که در شرایط مسئولیت کیفری تام نیستند به جای اصلاح مجازات کرد و بنابراین این الگو به جای اصلاح آنان را بزهکارانی خشن‌تر تربیت می‌کند.

بنابراین در این پژوهش نظریاتی مدنظر گرفته است که ما را در ترسیم سطوح و جنبه‌های مختلف جایگاه و نقش مداخله‌ای مددکاران اجتماعی در دادرسی نوجوانان بزهکار، یاری رساند. بینش نظری جهت به‌کارگیری مفاهیم علمی راهگشاست. سه رویکرد مطرح‌شده در واقع انعکاس سیاست‌هایی قضایی در همه کشورهای جهان هستند که ممکن است در هر کشوری غلبه بر یک الگو یا ترکیبی از هر سه باشد. اما غایت همه آنها پیشگیری از تکرار و وقوع ناهنجاری و جرم است. همان‌طور که ذکر شد الگوی عدالت‌گرا در پی تنبیه مجرم است تا برای مجرم و دیگران درس عبرت شود، الگوی رفاهی تلاش می‌کند ضمن پی بردن به علل وقوع جرم و رفع آن، مانع از تکرار رفتار بزهکارانه شود و عدالت ترمیمی با تقویت مسئولیت‌پذیری مجرم او را برای بازگشت به جامعه توانمند می‌کند.

یکسری مفاهیم حساس مرتبط با فرصت‌های حضور مددکاری اجتماعی بر اساس الگوی رفاهی و عدالت ترمیمی است، و چالش‌های آن که ناشی از نگرش تنبیهی حاکم بر سیستم قضایی از رویکرد عدالت‌گرا هدایتگر محقق است. در واقع مداخلات مددکاری اجتماعی ابزار اجرایی رویکرد اصلاحی و ترمیمی است.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش روش کیفی مبتنی بر مصاحبه با تکنیک تحلیل تماتیک (مضمون) است. هدف تحلیل تماتیک، شناسایی تم‌ها، یعنی الگوها در داده‌های مهم یا جالب‌توجه پژوهشگر است. از این تم‌ها برای پاسخ به سؤالات پژوهش استفاده می‌کنند. در روش تحلیل تماتیک، پژوهشگر آزادی عمل بسیاری دارد و لزومی به

چالش‌ها و فرصت‌های مداخله مددکاران اجتماعی، ... یحیی‌زاده و همکاران | ۱۵۵

مراجعه یا ارجاع به مبانی نظری ندارد و می‌تواند در پی کشف الگوی خود باشد (قاسمی، ۱۳۹۸: ۹). در تحلیل مضمون، همه داده‌ها بررسی و مضامین کل داده‌ها تحلیل و تفسیر می‌شوند. به عبارتی تم‌ها از داده‌ها نشئت می‌گیرند. تم‌ها ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات مطرح شده است (سجادی، ۱۳۹۹: ۷۲).

در تحقیق حاضر داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها بعد از توصیف و سازمان‌دهی تفسیر و تحلیل می‌شوند. پژوهشگر سعی نمود، نظر قضات را درباره موانع حضور مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار از طریق مصاحبه مورد کنکاش قرار دهد. همچنین جلب نظر قضات جهت مداخله مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان نیز مدنظر پژوهشگر بود. نمونه‌گیری در تحقیق حاضر از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند است. مصاحبه با این نمونه‌ها تا آنجا ادامه یافت که پاسخ به سؤال‌های عمده تحقیق اشباع شده و داده‌های جدیدی به دست نمی‌آمد، از آنجایی که قضات باید معیارهای مشخصی از جمله سابقه کار با نوجوانان بزهکار را دارا بودند ۴ قاضی مجتمع قضایی اطفال و نوجوانان شهید فهمیده تهران و ۱۳ قاضی دیگر با تجربه کار در حوزه اطفال، جمعاً ۱۷ نفر از قضات مورد سؤال قرار گرفتند.

پس از اینکه مصاحبه‌ها به‌طور کامل پیاده و مکتوب شد، برای تحلیل داده‌های آن ابتدا پاسخ‌ها به‌صورت باز و کدگذاری و سپس بر اساس محورهای مشترک شناسایی گردید. در ادامه در قالب محدودتری جای‌داده شدند. در مرحله دوم به‌منظور یافتن میزان موافقت قضات با هر محور، بیشترین فراوانی انتخاب شد. در ارتباط با اعتبار پذیری تحقیق باید گفت اعتبار پذیری به معنای واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش است. یعنی آنچه محقق در نتایج تحقیق خود ذکر کرده همان منظور مصاحبه‌شونده بوده است. در این پژوهش از تکنیک «کنترل‌های اعضا» استفاده شده است، بدین‌صورت که نتایج تحلیل‌ها به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد و واکنش‌های آنان معیاری جهت میزان اعتبار تحقیق قرار گرفت.

در این پژوهش همچنین جهت بررسی پایایی پروتکل مصاحبه از روش درصد توافق بین دو خبره استفاده می‌شود به این صورت نتایج مصاحبه دو پژوهشگر بر اساس یک پروتکل مصاحبه و همان جامعه آماری با هم مقایسه می‌شود و در هر کدام از مصاحبه‌ها کدهای که از نظر هر دو پژوهشگر مشابه هستند به‌عنوان کدهای توافق مشخص می‌شود

یافته‌های پژوهش

جهت بررسی نظرات قضات مورد مصاحبه درباره چالش‌ها و فرصت‌های مداخله مددکاری اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار پاسخ‌ها بر اساس سؤالات مطرح شده ۴ محور دسته‌بندی شدند. ضعف حرفه‌ای، ناکارآمدی سیستمی در ارتباط با چالش‌ها و مداخلات ترمیمی، تسهیل خروج از دادرسی به فرصت‌های حضور مددکاران اجتماعی اشاره می‌کند. اهداف موردنظر را در قالب دسته‌بندی‌هایی که بر اساس رویکرد نظری ترسیم شده است در جداول ذیل شرح داده می‌شود.

جدول ۱- جدول محورهای مصاحبه استخراج شده بر مبنای پرسش‌های پژوهش

شماره	محور
محور ۱	ضعف حرفه‌ای
محور ۲	ناکارآمدی سیستمی
محور ۳	مداخلات ترمیمی
محور ۴	تسهیل خروج از دادرسی

در ذیل برای هر یک از محورها جداول مربوط به کدهای باز و تم‌های فرعی و اصلی ارائه می‌گردد.

جدول ۲- کدگذاری یافته‌های مربوط به ضعف حرفه‌ای

تم اصلی	تم فرعی	کدباز (نکات کلیدی پاسخگو)
ضعف حرفه‌ای	فقدان تخصص و دانش	مددکاران اجتماعی مهارت‌های را لازم ندارند
		مددکاران اجتماعی دانش حقوقی و روان‌شناسی ندارند
		بزرگ‌ترین مشکل مددکاران اجتماعی فقدان دانش حقوقی و گزارش‌نویسی علمی است.
		دارا بودن مهارت مشاوره و روان‌شناختی ضروری است.
		مددکار اجتماعی مثل وکلا قدرت نوشتن ندارند.
		مهارت‌های میانجیگری، مشاوره برای مددکار اجتماعی لازم است
		مددکاران اجتماعی از جدیدترین تغییرات قانونی اطلاع ندارند
	عدم تعامل آموزش با محیط کار	ارتباط بین دانشگاه با دادگستری نیست.
		رشته تخصصی مددکاری اجتماعی قضایی در دانشگاه دایر نیست
		دانشجویان مددکاری اجتماعی دوره‌های کارآموزی را در محاکم طی نمی‌کنند.
	گزینش غیرعلمی	در استخدام مددکار اجتماعی به ویژگی‌های آکادمی، تجربی و عاطفی این حرفه در سیستم قضایی توجه نمی‌شود
		مناسب نیست دادگستری از سازمان بهزیستی به‌عنوان مأمور به خدمت دعوت کند.
		فکر نمی‌کنم در حال حاضر انتخاب مددکار اجتماعی را از طریق آزمون استخدامی به‌صورت دقیق انجام شود.

۱- ضعف حرفه‌ای

مصاحبه‌شوندگان عقیده داشتند باید مددکاران اجتماعی حرفه‌ای و متخصص برای سیستم قضایی تربیت شوند و در حال حاضر ضعف و کاستی در حوزه مددکاری اجتماعی

را یک چالش مهم ارزیابی کردند مقولات به دست آمده شامل یک مفهوم اصلی ضعف حرفه‌ای و سه مفهوم فرعی فقدان تخصص و دانش، عدم تعامل آموزش با محیط کار و گزینش غیرعلمی است.

۱-۱- فقدان تخصص و دانش

قضات اعلام کردند مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار فاقد مهارت‌های موردنیاز هستند. این مهارت‌ها شامل گستره‌ای از قبیل مهارت‌های میانجیگری، مدافعه، مذاکره، تسهیلگری، آموزش‌دهنده و مربی، ارزیاب (ناظر)، پژوهشگر، سازمان‌دهنده، رابط، مشاور، مهارت‌های دیگر، حامی یا مدافع و مدیریت کیس می‌باشد. مدیریت کیس مجموعه مهارت خاصی از مددکاران اجتماعی است که بر اساس پروتکل‌های تعیین شده به مراجعین نیازمند در یک دوره زمانی کمک می‌کند تا به خدمات موردنیاز برای رفع مشکل و نیاز خود دست یابند در واقع فرایند حل مسئله توسط مددکار اجتماعی مدیریت می‌شود. مصاحبه‌شوندگان بر دارا بودن مهارت‌های روان‌شناختی، مشاوره‌ای و حقوقی مددکاران اجتماعی در سطح رفع نیاز مداخله‌ای خود تأکید داشتند، اما توصیه برخی قضات برای مداخله مددکاران اجتماعی بیش‌تر تسلط بر مهارت مشاوره‌ای و حقوقی است.

"قاضی با ۲۰ سال سابقه کار می‌گوید: مددکاران اجتماعی مهارت‌های لازم از جمله حقوقی و روان‌شناسی ندارند من همکاری جزئی با مددکاران اجتماعی داشتم واقعاً ضعیف بودند مخصوصاً در بعد دانش حقوقی که لازم است آموزش ببینند و در آزمون‌های استخدامی مواد حقوقی هم لحاظ شود."

اکثر مصاحبه‌شوندگان به فقدان دانش حقوقی موردنیاز مددکاران اجتماعی شاغل در سیستم قضایی اشاره کردند. قانون تنظیم‌کننده رابطه بین سیستم‌ها در سطح خرد و کلان است. مسائل حقوقی بخش مهمی از زندگی اجتماعی مراجعین است. بسیاری از مددجویان مددکاری اجتماعی مانند؛ کم‌توانان، کودکان، بزهکاران ... درگیر مسائل حقوقی هستند. مددکاران اجتماعی باید از قوانین موجود در حوزه کاری خود آگاه باشند تا به مراجعین کمک کنند نیازهای خود را تأمین نمایند و همچنین از اصلاح قانون برای بهبود روابط بین

چالش‌ها و فرصت‌های مداخله مددکاران اجتماعی، ... یحیی‌زاده و همکاران | ۱۵۹

مددجویان و محیط‌های اجتماعی - حقوقی آنها دفاع کنند؛ بنابراین، دانش حقوقی باید به مددکاران اجتماعی درکی عملی از حقوق و مسئولیت‌های مراجعین خود در طیف وسیعی از روابط اجتماعی بدهد.

قاضی با ۷ سال سابقه کار می‌گوید:

"بزرگ‌ترین ضعف مددکاران اجتماعی دانش حقوقی و گزارش‌نویسی علمی است البته مهارت مشاوره و روان‌شناختی هم ضروری است و مدام آموزش‌های ضمن خدمت را شرکت کنند تا از جدیدترین تغییرات قانونی اطلاع یابند."

این موضوع برای مددکاران اجتماعی شاغل در دادگستری از اهمیت بسیاری برخوردار است اطلاع از قوانین یا احکام اصلاحی و فهم زبان قانون که زبان قاضی است، جهت ایجاد ارتباط با آنها به منظور دفاع و حمایت از نوجوانان یا دیگر گروه‌ها ضروری است.

"قاضی با ۴ سال سابقه کار می‌گوید مددکاران اجتماعی در سیستم قضایی اگر از مهارت بالایی برخوردار باشند قضات آنها را می‌پذیرند کسب دانش حقوقی بسیار لازم است. باید مددکاران اجتماعی فراگیرند. چون به نظر من مسئله مهمی است"

قضات مهارت‌های پیچیده‌تری را برای مددکاران اجتماعی به منظور مداخله در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار مانند میانجی‌گری عنوان کردند.

قاضی با ۱۲ سال می‌گوید:

"مهارت میانجی‌گری برای مددکاران اجتماعی شاغل در محاکم یک ضرورت است که باید آن را فراگیرند"

میانجی‌گری نقش مهم مددکار اجتماعی در اجرای الگوی عدالت ترمیمی است. برخی قضات به مهارت بسیار تأثیرگذار میانجی‌گری اشاره کردند. مددکاران اجتماعی می‌توانند در حل اختلاف‌ها در کنار سایر حرف این وظیفه را به خوبی انجام دهند. در سوئد مرکز خدمات اجتماعی از سال ۲۰۰۲ موظف به ارائه میانجی‌گری بین بزهکار و بزه دیده است اگر کوچک‌تر از ۲۱ سال نباشد میانجی‌گری پس از وقوع جرم مبتنی بر ایده عدالت

ترمیمی است. میانجی‌گری افراد درگیر را ترغیب به تسویه حساب می‌کند اگر قربانی و بزهکار توافق کنند که در میانجی‌گری شرکت نمایند میانجی‌گر که می‌تواند مددکار اجتماعی باشد هر دو طرف را جداگانه ملاقات می‌کند تا آنها را برای جلسه آماده کند (Kjaerum, 2020: 108).

موضوع بعدی توانایی تشکیل پرونده شخصیت از موارد مطرح شده است که مدیریت آن با واحد مددکاری اجتماعی است. به محض ورود بزهکار جوان به نظام عدالت کیفری، باید فرایند پرسش‌نامه‌ها و شرح‌حال‌های شخصیت آغاز گردد؛ این فرایند متضمن پرس‌وجوهایی در مورد ویژگی‌های فردی، خانوادگی، نحوه ارتکاب جرم، وضعیت اقتصادی، انجام آزمون‌های هوش و ارزیابی‌های شخصیت است. متخصصان پس از تکمیل این فرایند، متهمین نوجوانانی را که داری مشکلات رفتاری و تحت تأثیر عوامل پرخطر هستند، تفکیک نموده و آنان را به حسب نوع اختلال، نیازمند روان‌درمانی، مشاوره فردی، مصاحبه‌های خانوادگی، گروه‌درمانی... تشخیص می‌دهند و موضوع را به دست‌اندرکاران قضایی ارجاع خواهند داد.

این قاضی در ادامه اضافه کرد:

"تکمیل پرونده شخصیت توسط مددکار اجتماعی انجام می‌شود و به تشخیص قاضی

کمک می‌کند باید مددکار اجتماعی مهارت و دانش روان‌شناسی لازم را دارا باشد."

در مورد مهارت گزارش‌نویسی باید خاطر نشان کرد، مددکاران اجتماعی در دادگاه اطفال و نوجوانان به ارائه گزارش تشخیصی مبنی بر وضعیت فردی (جسمی و روانی) - خانوادگی (مالی، ارتباطی، عاطفی) و اجتماعی طفل از طریق بازدید در منزل، مصاحبه و تحقیق محلی می‌پردازند که در ارائه مدارک لازم به قاضی و کمک به او جهت تشخیص درست می‌تواند نقش مهمی داشته باشد.

"این قاضی با ۲۶ سال سابقه کار می‌گوید: گزارش‌نویسی زبان‌گویای مددکار اجتماعی

است به نظرم قدرت کافی در این زمینه ندارند. چون قاضی حتی با وکلا از طریق لایحه

صحت می‌کنند وکیل یا مددکار اجتماعی که قدرت نوشتن داشته باشد موفق‌تر است."

۱-۲- عدم تعامل آموزش و محیط کار

یکی از بسترهای توسعه هر سیستمی آموزش منابع انسانی کارآمد است. امروزه آموزش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی انجام می‌شود اگر برنامه‌های آموزشی متناسب با بازار کار نباشد هیچ توسعه‌ای حاصل نخواهد شد که لازمه این امر تعامل مستمر دانشگاه و بازار کار است. در مورد مددکار اجتماعی نیز این مسئله صدق می‌کند. در ارتباط با وجود زیرساخت‌های لازم جهت تربیت مددکاران اجتماعی حرفه‌ای - قضایی دانشگاه‌های مادر مددکاری اجتماعی نقش مهمی دارند.

قاضی با ۱۹ سال سابقه کار بیان می‌کند:

"باید بین دانشگاه و دادگستری ارتباط باشد و نیازهای آموزشی را بسنجند و بر اساس

آن مددکار اجتماعی تربیت کنند."

ایجاد رشته مددکاری اجتماعی قضایی و آموزش ضمن خدمت آنان می‌تواند زمینه را برای تحکیم جایگاه و ارتقای علمی حرفه مددکاری اجتماعی در سیستم قضایی و دادرسی نوجوانان ناقص قانون فراهم کند. همچنین ارتباط مستمر و علمی بین دانشگاه و محاکم در قالب همایش‌ها و سمینارها یا نشست‌هایی علمی، تعامل حرفه مددکاری اجتماعی، سیستم قضایی و دانشگاه را بهبود می‌بخشد. در حال حاضر قضات شناخت درستی از مددکار اجتماعی ندارند بنابراین، این وظیفه دانشگاه است که با تشکیل جلسات و سمینارهایی این شناخت را در قضات ایجاد کند

قاضی با ۲۶ سال سابقه کار می‌گوید:

"دانشگاه در زمینه تربیت مددکاران اجتماعی کاستی دارد اکنون شرایطی فراهم نیست

که دانشجویان مددکاری اجتماعی دوره‌های کارآموزی را در محاکم طی کنند تعاملی

بین دانشگاه با دادگستری مشاهده نمی‌شود."

دانشگاه یک واسطه بین سیستم قضایی و دانشجویان است اگر آموزش مددکاری اجتماعی قضایی متناسب با شرایط کاری سیستم دادگستری نباشد مداخلات آنها کیفیت لازم را نخواهند داشت. ارتباط مستمر و پویا بین دانشگاه و محیط کار سیکل مثبتی را به

وجود آورده که از طریق آن، هر دو به توسعه و رشد همدیگر کمک می‌کنند، پژوهش‌های دانشگاهی نتوانسته‌اند در جهت رفع آسیب‌های اجتماعی گام عمده‌ای بردارند که دلیل آن عدم توجه به نیازهای تحقیقاتی در این حوزه بوده است. به‌طور مثال در موضوع حمایت از پایانه‌ها از گروه مددکاری اجتماعی و سیستم قضایی تاکنون همکاری مفیدی مشاهده نشده است. برای ارتباط بهتر دانشگاه و گروه مددکاری اجتماعی با سیستم قضایی باید ابتدا نیازهای این بخش شناسایی شده و سپس، این موضوعات به‌صورت برنامه‌هایی درسی یا پروپوزال‌هایی تدوین شود.

قاضی با ۲۷ سال سابقه کار می‌گوید:

"مددکاران اجتماعی آموزش‌های لازم را دریافت نمی‌کنند. رشته تخصصی مددکاری اجتماعی قضایی در دانشگاه دایر نیست تا مددکاران اجتماعی علاوه بر درس تخصصی خود واحدهای حقوقی و مهارت‌های ضروری در حوزه مداخلات قضایی را آموزش ببینند"

با توجه به تجربه محقق این ایرادات درست است. امروزه با در نظر گرفتن نیاز جامعه و پیچیدگی مسائل اجتماعی ایجاد گرایش‌هایی برای این حرفه به‌منظور تربیت نیروهای متخصص با مهارت‌های لازم در حوزه‌های موردنظر ضروری است. از طرفی سرفصل‌های آموزشی اغلب نامتناسب با فیلدهای کاری این حرفه است. پراکندگی و عدم هماهنگی سرفصل‌های ارائه شده در سیستم آموزش دانشگاهی یکی از مهم‌ترین چالش‌های مربوط به برنامه‌ریزی درسی رشته مددکاری اجتماعی است.

۱-۳- گزینش غیرعلمی

گزینش یکی از روش‌های استخدام نیروی انسانی برای هر سازمان است و بر اساس اهداف هر سازمانی معیارهای مشخصی وجود دارد که کارمند باید آن ویژگی‌ها را جهت استخدام دارا باشد تا صلاحیت لازم برای تصدی پست موردنظر را کسب نماید. علی‌رغم سخت‌گیری‌های نهاد قضایی در مسائل عقیدتی و ارزشی، در بعد علمی برای انتخاب

چالش‌ها و فرصت‌های مداخله مددکاران اجتماعی، ... یحیی‌زاده و همکاران | ۱۶۳

مددکاران اجتماعی چنین دقت نظری وجود ندارد و در جلسات مصاحبه تخصصی افرادی با تحصیلات حقوقی مددکاران اجتماعی را ارزیابی می‌کنند.

قاضی با ۱۴ سال سابقه کار می‌گوید:

"درگزینش مددکار اجتماعی باید خود مددکاران اجتماعی که سابقه کار قضایی

دارند دخالت کنند نه افراد حقوق‌دان"

با توجه به اینکه آموزش آکادمیک مددکاری اجتماعی در ایران عمومی است. مددکار اجتماعی قضایی لازم است دوره‌های آموزشی موردنیاز در حوزه عدالت کیفری، اخلاق حرفه‌ای، جرم‌شناسی، (روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جرم) سیستم‌های قضایی اطفال، مدافعه، خشونت، سوءمصرف مواد، خانواده‌درمانی و آگاهی از قانون را طی کنند و سپس جذب دستگاه قضایی شود.

قاضی با ۲۱ سال سابقه کار می‌گوید:

"فکر نمی‌کنم سیستم قضایی بتواند مددکاران اجتماعی را از طریق آزمون به‌طور

علمی جذب کند."

به‌طورکلی مددکاران اجتماعی نقش‌ها، تکالیف و مسئولیت‌های چالش‌برانگیز متعددی را در مداخلات خود در سیستم قضایی بر عهده می‌گیرند. همه مهارت‌های مددکار اجتماعی جهت حمایت و دفاع از نوجوانان ناقص قانون جهت دستیابی به حقوق انسانی، شهروندی، و اجتماعی است. انجام وظایف مددکاری اجتماعی آن‌طور که رسالت این حرفه است بسیار سخت و دشوار می‌باشد و افرادی با شخصیت و توانمندی‌های متناسب و متفاوت می‌طلبند؛ بنابراین مددکاران اجتماعی که به طریقی نادرست برای سیستم قضایی و دادرسی نوجوانان گزینش استخدام می‌شوند وقتی در این جایگاه با این مشقت‌ها روبرو می‌شوند، ترجیح می‌دهند در پست‌های اداری کم‌زحمت قرار گیرند. ازاین‌رو گزینش مددکاران اجتماعی توانمند از نظر علمی و شخصیتی متناسب با محیط و وظایف سیستم قضایی توسط افراد باصلاحیت از جمله اقدامات موردنیاز است.

قاضی با ۶ سال سابقه کار می‌گوید:

"دادگستری نیاز دارد مددکار اجتماعی ماهر (کارشناسی ارشد) را از طریق آزمون

استخدامی و بررسی علمی جذب نماید."

جدول ۳- کدگذاری یافته‌های مربوط به ناکارآمدی سیستمی

تم اصلی	تم فرعی	کدباز (نکات کلیدی پاسخگو)
ناکارآمدی سیستمی	ایرادات قانونی	تعریف نادرست از اقدامات مددکاری اجتماعی در قانون
		قضات دنبال بهانه هستند از حجم کار خود کم کنند
		اجرای قوانین مداخلات مددکاری اجتماعی زمان‌بر است
		قوانین لازم در ارتباط با مداخله مددکاران اجتماعی با ضمانت اجرای بالا تدوین نشده است
		اگر قانون‌گذار قاضی را موظف کند نمی‌تواند از اجرای آن سرباز زند.
		قضات به اجرای قوانین ملزم نیستند
		مداخلات مددکاری اجتماعی باید ضمانت اجرایی داشته باشد
	محدودیت ساختاری	دادرسی اطفال و نوجوانان شبیه بزرگسالان است
		عدم وجود مؤسساتی با مدیریت مددکاران اجتماعی ایجاد شود که پیش از فرایند دادرسی نوجوان در آنجا تحت درمان قرار گیرد
		قانون پلیس اطفال علی‌رغم اینکه تصویب شده اما هنوز اجرانشده است.
		قضات آموزش‌های لازم را طی نمی‌کنند
		مددکار اجتماعی اختیار قانونی در مداخلات خود ندارد.
		ایجاد تفکر اصلاحی به‌جای تفکر تنبیهی
	کمبودهای حوزه مددکاری اجتماعی	آیین‌نامه اجرایی موردنیاز مداخلات مددکاری اجتماعی وجود ندارد
		تشکیلات مددکاری اجتماعی منسجمی نیست
		خدمات مددکاری اجتماعی مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد
		منابع و امکانات لازم برای مداخله مددکاران اجتماعی در بودجه دادگستری لحاظ نمی‌شود
		اغلب مددکاران اجتماعی بعد استخدام در سیستم قضایی به‌عنوان کارمند شعبه منصوب می‌شوند
		دادگستری با کمبود نیروی مددکار اجتماعی از نظر کیفی و کمی مواجه است

۲- ناکارآمدی سیستم قضایی

ناکارآمدی سیستمی به عدم انسجام و یکپارچگی بین اجزای یک سیستم اشاره دارد. فقدان تفکر سیستمی و به کارگیری روش‌های سنتی در حل مسائل بیانگر ناکارآمدی یک سیستم است. یک سیستم کارآمد نگاه کل‌گرایانه در کنار تفکر جزء‌گرایانه دارد. با توجه به تحلیل یافته‌ها نشانه‌های ناکارآمدی سیستم قضایی در حوزه دادرسی نوجوانان ایرادات قانونی، محدودیت ساختاری و کمبودهای حوزه مددکاری اجتماعی است.

۲-۱- ایرادات قانونی

در مورد ایرادات قانونی منظور کمبود قوانین و عدم ضمانت اجرایی است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ که در ماده ۲۹ به حضور مددکار اجتماعی در جلسه رسیدگی و ارائه گزارش، همین‌طور ماده ۳۲ در انجام تحقیقات اولیه، ماده ۳۳ پیشگیری از آسیب علیه کودکان، ماده ۴۱ اخذ نظر مددکار اجتماعی توسط قاضی جهت صدور احکام اصلاحی، ماده ۴۴ نظارت مددکار اجتماعی بر اجرای احکام صادره اشاره دارد که تاکنون اقدامات مؤثری صورت نگرفته است. به علاوه، این قوانین نیازمند تدوین آئین‌نامه اجرایی یا مدل مداخله‌ای برای مددکاران اجتماعی است.

قاضی با ۲۰ سال سابقه کار می‌گوید:

"قانون در موارد متعدد به قاضی گفته که از مداخلات مددکاری اجتماعی استفاده

کند؛ اما اولاً قاضی را مکلف کرده نه موظف اگر قانون‌گذار قاضی را موظف کند

نمی‌تواند از اجرای آن سرباز زند و تعریف درستی از مددکار اجتماعی در قانون نیست"

در واقع مشکل مددکاران اجتماعی صرفاً فقدان یا کمبود قوانین نیست، بلکه مسئله عمده تعریف نادرست از اقدامات مددکاری اجتماعی در قانون یعنی فقط به حضور در دادگاه و تکمیل پرونده شخصیت اشاره شده است. مشکل دیگر عدم ضمانت اجرایی قوانین موجود و عدم التزام قضات به اجرای قوانین است. طبق این مصاحبه‌ها اکثر قضات به حضور مددکار اجتماعی اعتقاد دارند؛ اما در عمل عکس آن صدق می‌کند.

"قاضی با ۱۴ سال سابقه کار می گوید: قضات اگر مجبور نباشند سایر قوانین را اجرا نمی کنند. دنبال بهانه هستند از حجم کار خود کم کنند؛ چون فکر می کنند مداخلات مددکاری اجتماعی زمان بر است در این راستا لازم است قوانین در ارتباط با مداخله مددکاران اجتماعی با ضمانت اجرای بالا تدوین نشده است"

با توجه به تجربه محقق اگر بعد از انجام و تکمیل تحقیقات در دادسرا پرونده به دادگاه جهت صدور رأی ارسال می شود چنانچه قاضی 'دادگاه بر عدم وجود نظر مددکاری اجتماعی نقص بگیرد و پرونده را عودت دهد به یک رویه تبدیل می شود و می تواند گام مؤثری جهت تثبیت جایگاه و مداخله مددکاری اجتماعی در دادرسی نوجوانان بزهکار است. قضات عقیده داشتند یکسری سازوکارها برای مداخله مددکاران اجتماعی ضروری است که برخی به اصلاحات قضایی و قانونی مربوط است و برخی دیگر به امکانات نیاز دارد.

"قاضی با ۲۴ سال سابقه کار می گوید: قانون در موارد متعدد به قاضی گفته که از مداخلات مددکاری اجتماعی استفاده کند؛ اما اولاً قاضی را نه مکلف کرده نه موظف، اگر قانون گذار قاضی را موظف کند نمی تواند از اجرای آن سر باز زند."

در بحث قوانین حتی اگر مواد و تبصره های موجود اجرایی شود، وضعیت فعلی به مراتب بهبود خواهد یافت. به طور مثال در مواد مختلف آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ ماده ۴۱۰، ۴۱۳ بر مداخله مددکاران اجتماعی در برخی مراحل دادرسی از جمله رسیدگی دادگاه نوجوانان و ماده ۴۸۵ در ارتباط با حضور مددکاران اجتماعی در مرحله آخر یعنی اجرای احکام، تأکید شده است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ در ماده ۲۹ به حضور مددکار اجتماعی در جلسه رسیدگی و ارائه گزارش، ماده ۳۲ در انجام تحقیقات اولیه، ماده ۳۳ پیشگیری از آسیب علیه کودکان و نوجوانان، ماده ۴۱ اخذ نظر مددکار اجتماعی توسط قاضی جهت صدور احکام اصلاحی، ماده ۴۴ نظارت مددکار اجتماعی بر اجرای احکام اشاره دارد که تاکنون اقدامات مؤثری صورت نگرفته است با این حال قضات عقیده دارند باید جبری از سوی قانون مبنی بر اجرای این مواد وجود داشته باشد یا اینکه حجم کار قاضی سبک شود.

چالش‌ها و فرصت‌های مداخله مددکاران اجتماعی، ... یحیی‌زاده و همکاران | ۱۶۷

"قاضی با ۱۴ سال سابقه کار می‌گوید: قانون‌گذار باید قاضی را به پذیرش مددکار اجتماعی ملزم کند. همین‌طور به هر طریق ممکن حجم کار قاضی کم یا تعداد قضات زیاد شود، تا بتواند به اصلاح رفتار بزهدکار رسیدگی نماید و شرایط لازم به اقدامات مددکاری اجتماعی تخصیص دهد."

۲-۲- محدودیت ساختاری

به نظرمی‌رسد ساختار دادرسی نوجوانان نیازمند تغییر هم از بعد نرم‌افزاری و هم سخت‌افزاری است. یعنی منظور تغییر در نگرش‌ها و ساختار فیزیکی (از حالت دادگاهی خارج شود) است. یک سیستم قضایی عدالت‌محور به هر شکلی برای کودکان باید با قوانین بین‌المللی منطبق باشد رفاه کودک و نوجوان را ارتقا بخشد. واکنش به جرم با در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی کودک باشد، به پیشگیری از جرم کمک کند، تصمیمات باید بهترین منافع کودک را تأمین و درمان کند و در جهت رشد کودک باشد و به بازتوانی و ادغام مجدد کودک در جامعه کمک کند تا بتوانند در آینده نقش سازنده‌ای در جامعه بر عهده بگیرند.

"قاضی با ۲۵ سال سابقه کار می‌گوید: برای حضور مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهدکار ما نیازمند تغییرات ساختاری گسترده در سیستم قضایی و ساختار دادگاه نوجوان هستیم."

قضات نظرات خود را در ارتباط با تغییرات ساختاری سیستم قضایی نوجوانان و ارائه خدمات بیشتر عنوان کردند. قابل‌ذکر است، ساختار دادرسی نوجوانان بزهدکار در مواردی از جمله حضور مشاوران و تشکیل پرونده شخصیت در آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ اشاره شده است که آن هم به‌درستی اجرا نمی‌شود. ماده ۴۱۰ درباره مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان ماده ۴۱۳ بر حضور مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی در دادگاه تأکید می‌شوند. در ماده ۲۸۶ آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان به‌وسیله دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است. اما همین قوانین هم به‌درستی اجرا نمی‌شود.

"قاضی با ۱۶ سال سابقه کار می گوید: فرایند دادرسی اطفال و نوجوانان باید تغییر کند؛ زیرا در حال حاضر هیچ تفاوتی با بزرگسالان ندارد. قاضی و کارکنان باید برای ارتباط با نوجوانان آموزش دیده باشند و پلیس ویژه اطفال تشکیل و استفاده از دست‌بند ممنوع شود."

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ترکیه مصوب سال ۲۰۰۲ یکی از بندهای آن وجود شرایط لازم برای انتصاب قضات، دادستان‌ها و مددکاران اجتماعی که قرار است در این دادگاه‌ها فعالیت کنند (Hakeri, 2018: 307). در بحث پلیس اطفال که مصاحبه‌شوندگان اشاره کردند، در راستای حمایت از کودکان و نوجوانان، قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ و در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ایجاد پلیس مخصوص اطفال و نوجوانان بزهکار را پیش‌بینی و پلیس را مکلف به تشکیل آن کرد. یکی از بندهای این لایحه این است که "پلیس ویژه اطفال و نوجوانان با همکاری مسئولان مدارس و مربیان، مددکاران اجتماعی و یا اشخاص غیردولتی اقداماتی نظیر تشکیل کارگروه مدرسه امن برای شناسایی و کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی در مدرسه، شناسایی اطفال و نوجوانان نیازمند انجام دهد. سال ۱۴۰۱ کلیات آن در کمیسیون تصویب شد، اما هنوز مراحل قانونی را طی نکرده است و شکی نیست این موضوع مانند قوانین دیگر در اجرا چالش‌های بسیاری خواهد داشت.

قاضی با ۲۲ سال سابقه کار می گوید:

"بهتر است مؤسساتی تخصصی و کارآمد از قبل از دادرسی وضعیت نوجوانان را

بررسی کنند و برنامه‌های اصلاحی را اجرا کند."

در بحث تغییر ساختار دادگاه اطفال و نوجوانان برخی قضات تغییر شکلی و فیزیکی را مدنظر داشتند. اینکه مؤسسه یا سازمانی اصلاحی و تربیتی با حضور مددکار اجتماعی تأسیس شود و نوجوان ناقص قانون ابتدا به آنها ارجاع شود مگر در جرائم سنگین که دادگاه رسیدگی کند. همین مصاحبه‌شونده در ادامه گفت:

این قاضی ادامه داد:

"فضای ساختمان نیز نباید شبیه دادگاه باشد و سازمانی با مدیریت مددکاران اجتماعی یا هر حرفه دیگر ایجاد شود تا پرونده نوجوان قبل اینکه وارد دادگاه شود آنجا رسیدگی گردد حتی قاضی آنجا برود."

موضوع دیگر آموزش قضات است. آموزش ارتباط با نوجوان و شناخت آنان به قضات و پلیس کمک می‌کند تا در مورد جنبه‌های کلیدی رشد نوجوانان دانش لازم را کسب کنند و بیاموزند که چگونه این دانش را در تصمیم‌گیری خود به کار ببرند. آنان از چگونگی تأثیر رشد مهارت‌های شناختی، چارچوب اخلاقی، روابط اجتماعی و هویت نوجوانان و چگونگی تأثیر عوامل مختلف از جمله رشد مغز، ناتوانی‌ها و محیط بیرونی که در آن زندگی می‌کنند، بر رفتار نوجوان آگاه خواهند شد. قضات دادگاه اطفال برای آن آموزش ببینند: نوجوانان چگونه رشد می‌کنند؟ همسالان و خانواده چگونه بر استدلال اخلاقی نوجوانان تأثیر می‌گذارند؟ نوجوانان چگونه هویت خود را پرورش می‌دهند؟ خانواده، همسالان و جامعه بزرگ‌تر چه نقشی در توسعه هویت نوجوان دارند؟ چه تغییراتی در عملکرد مغز در دوران نوجوانی رخ می‌دهد؟ چگونه ممکن است رشد معمولی مغز بر رفتار نوجوانان تأثیر بگذارد؟

۲-۳- کمبودهای حوزه مددکاری اجتماعی

مصاحبه‌شوندگان در مورد مقوله کمبودهای حوزه مددکاری اجتماعی بر نبود تشکیلات و آیین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی، کمبود نیرو و عدم تخصیص بودجه کافی اشاره کردند.

قاضی با ۱۸ سال سابقه قضاوت بیان می‌کند:

"عدم تخصیص بودجه برای جذب مددکاران اجتماعی و نبود مددکار اجتماعی متخصص به تعداد کافی از مشکلات اصلی است. از سوی دیگر، واحد مددکاری اجتماعی منسجمی در ستاد نیست و به علت اینکه سیستم قضایی هم احساس نیاز شدید به جذب آن‌ها ندارد."

در این قانون لزوم ایجاد تشکیلات مددکاری به‌طور ستادی که اقدامات مددکاران اجتماعی در دادرها و محاکم را مدیریت و هدایت کند قابلیت اجرایی دارد. شایان‌ذکر است با تمرکز مددکاران اجتماعی در این واحد، امکان همکاری و بهره‌گیری از خدمات ایشان توسط دادستان‌ها و قضات دادگستری وجود دارد. البته برای انجام دقیق این مواد، تدوین آیین‌نامه برای تشریح وظایف واحد مددکاری اجتماعی ضروری است. به نظرمی‌رسد محورهای اصلی این آیین‌نامه از یک‌سو به تکالیف مددکاران اجتماعی و مسئولیت‌های ایشان بازمی‌گردد و از سوی دیگر نیازمند حمایت‌های حقوقی و تأمینی از مددکار اجتماعی است.

این پیگیری عدم رعایت قانون وظیفه چه نهاد و ارگانی است؟ نقص و عدم اجرای قوانین مذکور تاکنون دغدغه جامعه مددکاری اجتماعی نبوده است. اینجا جای خالی نظام یا نهادی که از حرفه مددکاری اجتماعی حمایت کند، آشکار می‌شود.

قاضی با ۲۰ سال سابقه کار قضاوت می‌گوید:

"منابع و امکانات کافی در اختیار مددکاران اجتماعی نیست؛ مثلاً همین پرونده شخصیت که مسئولیت آن به عهده مددکار اجتماعی است یک ماشین ندارند برونند تحقیقات میدانی انجام دهند."

اکثریت قضات در ادامه بحث آیین‌نامه‌های اجرایی بر تشکیل واحد مددکاری اجتماعی اشاره کردند علی‌رغم وجود قانون مربوطه ماده ۴۸۶ آیین دادرسی کیفری قوه قضائیه به‌منظور انجام وظایف مددکاران اجتماعی، تشکیلات مناسبی تحت عنوان «مددکاری اجتماعی» را در حوزه قضائی هر شهرستان ایجاد می‌نماید. اما هنوز ایجاد این تشکیلات عملیاتی نشده است و پیگیری هم نمی‌شود. ایجاد این تشکیلات نیازمند تدوین آیین‌نامه برای تشریح وظایف واحد مددکاری اجتماعی است. به نظر می‌رسد محورهای اصلی این آیین‌نامه از یک‌سو به تکالیف مددکاران اجتماعی و مسئولیت‌های ایشان بازمی‌گردد و از سوی دیگر حمایت‌های حقوقی و تأمینی از مددکاران اجتماعی است.

این قاضی ادامه داد:

"تشکیلات مددکاری اجتماعی علی‌رغم وجود قانون مربوطه اجرایی نشده است و آیین‌نامه مداخلات مددکاری اجتماعی هم ضروری است."

ضرورت تدوین آیین‌نامه اجرایی در مورد امنیت شغلی مددکاران اجتماعی لازم است. از آنجایی که اقدام مددکاران اجتماعی در سیستم قضایی مثل سایر حرف از تقصیر و خطای غیر عمد، غفلت و سهل‌انگاری عاری نیست، لذا باید برای حمایت از حقوق طرفین پرونده حق هرگونه اعتراض بر گزارش‌های ایشان نیز پیش‌بینی شود. همچنین، تضمین امنیت شغلی، حقوقی و جانی مددکاران اجتماعی در برابر مخاطراتی که در مواجهه با طرفین دعوی و امکان ایجاد خسارت یا آسیب از سوی آنها، وارد می‌شود، در قوانین لحاظ گردد.

قاضی با ۶ سال سابقه کار می‌گوید:

"بینش قضات نسبت به مددکاران اجتماعی به‌عنوان مزاحم و اضافه‌بار است که لازمه آن تدوین آیین‌نامه اجرایی خدمات مددکاری اجتماعی می‌باشد."

جدول ۴- مداخلات ترمیمی

تم اصلی	تم فرعی	کدباز (نکات کلیدی پاسخگو)
مداخلات ترمیمی	اقدامات تشخیصی	بررسی شرایط اجتماعی بزهکاران از طریق بازدید منزل
		کمک جهت مشاوره حقوقی به نوجوان
		علت‌شناسی رفتار مجرمانه
		انجام تحقیقات و گزارش‌نویسی
		ارائه اطلاعات مربوط به مراحل دادرسی به نوجوان قبل از ورود به فرایند
	مدافعه قضایی	تشکیل پرونده شخصیت
		پیشنهاد جایگزین‌های حبس به قاضی
		کمک به تسریع دادرسی
		ارائه مشاوره به قاضی دادگاه جهت تخفیف مجازات
		حضور در جلسه دادگاه و ارائه گزارش به قاضی پرونده در دادگاه
میانجی جهت اخذ رضایت شاکی در جرائم قابل گذشت		

	ادغام اجتماعی مجدد	نظارت بر نوجوان بزهکار در مرحله اجرای حکم
		ارتباط بین دادگاه، نوجوان و سایر سیستم‌ها
		همکاری با سازمان‌های خدمات اجتماعی جهت بازتوانی اجتماعی و حرفه‌ای
		ارتباط با خانواده نوجوان

۳- مداخلات ترمیمی

منظور مداخلاتی است که هدف اصلاح رفتار و جبران خسارت توسط بزهکار را به دنبال دارد در این رابطه با توجه به تحلیل مصاحبه سه مقوله اقدامات تشخیصی و مدافعه قضایی و ادغام اجتماعی مجدد به دست آمد.

۳-۱- اقدامات تشخیصی

اقدامات تشخیصی در مرحله دادرسی نمود دارد. برخی از قضات اعتقاد داشتند که مددکار اجتماعی در مرحله تحقیقات و تشکیل پرونده شخصیت مداخلات مؤثرتری می‌تواند انجام دهد. تکمیل پرونده شخصیت به صورت ماهرانه دغدغه قضات بود. با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ لازم است که واحد مددکاری اجتماعی برای نوجوان بزهکار پرونده شخصیت فردی اجتماعی تشکیل دهد. نقش مددکار اجتماعی با مصاحبه اولیه شروع می‌شود و به ارزیابی مجرم می‌انجامد. مددکار اجتماعی پس از تعیین عوامل بیولوژیکی، روانی، عوامل جامعه‌شناختی و اعتقادی که ممکن است انگیزه را تحت تأثیر قرار داده باشد، گزارش را به دادگاه تقدیم می‌کند. اما آنچه الآن اتفاق می‌افتد تکمیل غیرحرفه‌ای پرسش‌نامه‌ای با اکثریت سؤالات باز به نام پرونده شخصیت است که قضات آن را هم نادیده می‌گیرند و علت را کافی نبودن اطلاعات می‌دانند.

قاضی با ۲۰ سال سابقه کار می‌گوید:

"مددکاران اجتماعی در مرحله دادرسی و تشکیل پرونده شخصیت می‌توانند به قاضی

پرونده جهت کشف حقیقت کمک کنند."

یکی از دلایل عدم اهمیت به تشکیل پرونده شخصیت به سهل‌انگاری و بی‌توجهی قضات دادگاه برمی‌گردد در مرحله دادرسی وظیفه بازپرس این است، نوجوان را جهت تکمیل پرونده شخصیت به مددکار اجتماعی ارجاع دهد تا قاضی دادگاه به‌عنوان مقام بالاتر از بازپرس دادسرا نقص نگیرد، وقتی قاضی مهم ندادند بازپرس هم احساس تکلیف نمی‌کند. موضوع دیگری که قضات به‌عنوان تکلیف مددکار اجتماعی بر آن تأکید دارند. گزارش‌نویسی مددکار اجتماعی است. گزارش مددکاری اجتماعی شکلی از تعامل و ارتباط بین مددکار اجتماعی و بزهکار است. در دادگاه از گزارش مددکاران اجتماعی برای تصمیم‌سازی استفاده می‌شود؛ بنابراین مددکاران اجتماعی باید به جنبه - های خاصی توجه کنند. گزارش حرفه‌ای توسط مددکار اجتماعی ارزیابی جامعی از موقعیت بزهکار است شامل تاریخچه اجتماعی، سلامتی جسمی و روانی، وضعیت مسکن، تحصیلات، روحیات، کار، درآمد، علایق اجتماعی، خانواده، گذشته و چگونگی تأثیر وضعیت روانی - اجتماعی بر نوجوان می‌شود. در دادگاه‌های مددکاران اجتماعی آنچه را که می‌بینند یا می‌شنوند یا آنچه در طول مصاحبه با بزهکار، بازدید در منزل و بررسی پرونده روانی - پزشکی متهم که به‌طور خلاصه ثبت کردند، در نوشتن گزارش‌های خود اعمال می‌کنند. قاضی با ۶ ساله سابقه کار بیان می‌کند:

"اطلاعات مددکار اجتماعی مخصوصاً بازدید محل و محیط زندگی متهم در قالب گزارش در کمک به صدور حکم مناسب توسط قاضی پرونده بسیار اساسی و با اهمیت است"

در مرحله دادرسی همان‌طور که مصاحبه‌شوندگان ذکر کردند مددکاران اجتماعی می‌توانند با بازدید محیط نقش مهمی در تسریع فرایند دادرسی نوجوانان و کشف حقیقت داشته باشند. ارائه خدمات مددکاری اجتماعی برای مراجعان در منازل آنها غالباً ویژگی بارز عملکرد اجتماعی است. بازدید محیط زندگی به مددکار اجتماعی کمک می‌کند که به وضعیت زندگی نوجوان در ابعاد مختلف آن دقت نموده و حساس باشد. از سویی دیگر این آگاهی باعث می‌شود که متهم و خانواده‌اش نیز مقاومت نکرده و هر آنچه را که در حل مشکل کمک‌کننده است انجام دهند. از اهداف مهم بازدید منزل و محیط توسط

مددکار اجتماعی در سیستم قضایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بررسی وضعیت روانی، اجتماعی و اقتصادی مددجو به منظور تکمیل پرونده شخصیت و نظارت بر اجرای مجازات جایگزین حبس.

قاضی با ۲۰ سال سابقه کار بیان می‌کند:

"در مرحله دادرسی در بحث تشخیص مددکار اجتماعی یاری‌دهنده است مخصوصاً در

مورد بازدید محل و محیط زندگی متهم حائز اهمیت است."

موضوع دیگری که اشاره شد علت‌شناسی رفتار منجر به جرم از سوی نوجوانان است. با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ لازم است که واحد مددکاری اجتماعی برای نوجوان بزهکار پرونده شخصیت تشکیل دهند. نقش مددکار اجتماعی با مصاحبه اولیه شروع می‌شود و به ارزیابی مجرم می‌پردازد. صرفاً تشکیل پرونده شخصیت توسط مددکار اجتماعی در یک اتاق بسته برای تشخیص علل رفتار بزهکار کافی نیست. مددکار اجتماعی برای تکمیل صحیح پرونده شخصیت نیازمند بررسی‌های میدانی است و ملاحظه نوجوان در محیط خانوادگی و اجتماعی است که این امر یک سری امکانات را طلب می‌کند.

قاضی با ۲۶ سال سابقه کار می‌گوید:

"مددکاران اجتماعی یکی از بازوان عدالت در سیستم قضایی هستند که می‌توانند

نقش برجسته‌ای داشته باشند. در بحث علت‌شناسی بزهکاری و آسیب‌شناسی به منظور ارائه

راه‌حل‌های درمانی به نظر من از اهمیت والایی برخوردارند."

مددکار اجتماعی در علت‌شناسی رفتار نوجوان بزهکار به عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر جرم مانند زندگی در محله‌های آسیب‌خیز، حضور در گروه‌ها و اجتماعی که رفتار بزهکاری و کج‌رفتاری را تشویق می‌کنند، نابرابری‌های اجتماعی، فرهنگی حاکم بر جامعه که مادی‌گرایی در آن به ارزش تبدیل شده است، فقر و تفاوت ارزشی خانواده و جامعه نیز توجه دارد.

قاضی با ۱۴ سال سابقه کار بیان می‌کند:

"در مرحله دادسرا با انجام تحقیقات میدانی و مصاحبه‌های روان‌شناسی به‌ویژه تشکیل پرونده شخصیت در کشف و علت‌یابی جرم کمک‌کننده هستند. البته باید انجام تحقیقات جامع و کامل باشد."

ارائه اطلاعات و مشاوره حقوقی به نوجوان توسط مددکار اجتماعی از مسائلی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند. با توجه به تجربه محقق اغلب نوجوانانی که وارد دادگاه می‌شوند خود آنها و خانواده‌هایشان از اولیه‌ترین حقوق خود و اینکه در روند دادرسی چه اتفاقی رخ خواهد داد بی‌اطلاع هستند.

همان قاضی می‌گوید:

"یکی از مشکلات نوجوانان بزهکار و خانواده‌های آنان عدم اطلاع از موضوعات حقوقی و روند دادرسی است مخصوصاً در بدو ورود به دادگاه لذا مددکار اجتماعی باید این اطلاعات در اختیار آنان قرار دهد"

۲-۳- مدافعه قضایی

مدافعه مهارتی راهبردی در حمایت از مددجویان جهت دستیابی به حقوق انسانی، شهروندی، و اجتماعی نمود پیدا می‌کند. بسیاری از محققین معتقد هستند که هدف مدافعه اصلاح سیستم‌های اجتماعی و عدالت اجتماعی است (Chereni, 2015: 509). مدافعه مددکاران اجتماعی در جریان صدور حکم و اجرای حکم نیز بااهمیت است. همچنان که در ماده ۴۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بزهکار سال ۱۳۹۹ به اخذ نظر مددکار اجتماعی توسط قاضی جهت صدور احکام اصلاحی، اشاره دارد برخی قضات با توجه به مواد قانونی مورداشاره به حضور و مدافعه مددکار اجتماعی در دادگاه تأکید کردند.

قاضی با ۷ ساله سابقه کار بیان می‌کند:

"در کمک به صدور حکم مناسب توسط قاضی پرونده بسیار اساسی و بااهمیت است. همچنین در اجرای حکم چنانچه قوانین ترمیمی مانند تعلیق حکم و مجازات، جایگزین‌های حبس جاری شود مددکاران اجتماعی بازوان اجرایی خواهند بود"

در قانون مجازات سال ۱۳۹۲ علاوه بر ماده ۶۴ مجازات جایگزین حبس در مواد ۸۳ و ۸۴ خدمات عمومی رایگان، مسئولیت مددکار اجتماعی بیشتر و بااهمیت بیشتری منعکس شده است. در واقع مجازات حبس جایگزین با توجه به اهمیت مشارکت متهم در اجرای آن، با یکی از اصول حرفه‌ای مددکاری اجتماعی به نام اصل مشارکت پیوند می‌خورد. بر اساس این اصل، هرگونه برنامه و طرح به‌قصد کمک به مددجو تدوین و طراحی می‌شود و برای اینکه به‌درستی و به‌صورت پایدار اجرا شود باید مددجو یا مددجویان در تمامی مراحل از تدوین تا اجرا همکاری داشته باشند. مددکاران اجتماعی مدافع با کمک مددجویان نیازها را موردبررسی قرار داده و برنامه‌ها را طراحی می‌کنند و سپس به دادگاه ارائه می‌دهند. همچنین، در طول اجرا نظارت مستمر دارند.

قاضی با ۱۴ سال سابقه قضاوت می‌گوید:

"به نظر من مددکار اجتماعی در مرحله صدور حکم با ارائه مشورت به قاضی می‌تواند، بیشترین نقش را داشته باشند."

حضور مستمر در جلسه دادگاه و اطلاع از رونده پرونده نوجوان از موارد مدافعه مددکاران اجتماعی در طی مصاحبه‌ها عنوان شد که در قوانین موجود هم به‌صراحت عنوان شده است. در ماده ۴۱۰ آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند. در ماده ۴۱۳ در دادگاه اطفال و نوجوانان، مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند.

قاضی با ۷ سال سابقه می‌گوید:

"مددکار اجتماعی باید جلسات حضور داشته باشد تا هم به قاضی پرونده در مواقع لازم که ابهامی وجود دارد، مشاوره دهد. از طرفی مددکار اجتماعی باید نوجوان را در جریان هر اتفاقی در روند دادرسی قرار دهد و به او اطلاع دهد مرحله بعد چه اقداماتی انجام می‌شود."

با توجه به اینکه اطلاع دادرسی از دغدغه‌های همیشگی قضات درباره مداخله مددکاران اجتماعی بوده است. اگر هدف سیستم قضایی ما آن‌چنان‌که ادعا می‌کند، توانمندسازی است، مداخله مددکار اجتماعی دستیابی به این هدف را تسریع می‌کند. اما اگر هدف خاتمه پرونده باشد، ادعای قضات صحت داشته دارد؛ زیرا مداخله مددکار اجتماعی نیازمند حداقل بازه زمانی خاصی است. هدف مداخله مددکاران اجتماعی پی بردن به علل کج‌رفتاری از دیدگاه افراد مجرم به‌منظور درمان و پیشگیری از بروز انحرافات است.

قاضی با ۲۶ سابقه کار می‌گوید:

"با توجه اینکه نوجوانان در سن حساسی از نظر ویژگی‌های شخصیتی هستند وجود حرف‌یاورانه در کنار آن‌ها و ارائه خدمات و حمایت‌های حقوقی و اجتماعی تأثیر زیادی در ممانعت از وقوع بزه‌دیدگی ثانویه خواهد داشت."

قضات باید از این امر آگاه شوند حمایت‌های حقوقی و اجتماعی شاید در برخی پرونده‌ها زمان‌بر باشد؛ اما نتیجه آن به کاهش جرم و بزهکاری کمک می‌کند؛ بنابراین اطلاع دادرسی ممکن است اتفاق بیفتد؛ اما نتیجه آن مفید است.

قاضی با ۱۴ سال سابقه کار می‌گوید:

"با توجه به اینکه قاضی در جایگاه قضاوت قرار دارد و قدرت دارد نوجوانان علاوه بر ترس و استرس در جریان بازجویی اعتماد نمی‌کند اطلاعات لازم را افشا کند؛ ولی نقش حمایتی مددکار اجتماعی که دقیقاً برعکس قاضی است نوجوان را به تخلیه اطلاعات لازم جهت کشف حقیقت ترغیب می‌کند."

مصاحبه‌شوندگان به‌کارگیری مددکاران اجتماعی درباره مختومه کردن پرونده‌ها از طریق میانجیگری جهت توافق و اخذ رضایت شاکی تأکید کردند. مددکار اجتماعی در نقش میانجی فرصتی را فراهم می‌کند تا بزه‌دیده با بزهکار را در یک محیط امن با تمهیدات لازم ملاقات نماید باهدف مسئولیت‌پذیری و پاسخگو نمودن بزهکار برای اعمالی که انجام داده است.

قاضی با ۱۹ سال سابقه کار می گوید:

"در پرونده‌های کیفی یا حتی حقوقی به‌طور قطع مددکاران اجتماعی می‌توانند به‌عنوان میانجی‌گر در ایجاد سازش نقش مؤثری داشته باشند".

۳-۳- ادغام اجتماعی مجدد

مرحله اجرای حکم پایان فرایند دادرسی نوجوان است حکم صادره از نوع کیفی باشد یا اصلاحی نوجوانان نیاز به کمک و حمایت طولانی مدت دارد. از جمله تأمین حمایت‌های فردی و اجتماعی برای ایجاد جایگاه امن نوجوان در جامعه و حمایت‌هایی برای دوری از نیروهایی که وی را در معرض آسیب قرار داده‌اند. مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند در این مرحله مددکار اجتماعی باید با کانون‌های اصلاح و تربیت سازمان‌های اجتماعی مربوطه و خانواده نوجوانان در تماس و ارتباط باشد همچنین به‌طور مداوم وضعیت نوجوان را پیگیری کند. تا او به‌عنوان یک فرد اجتماعی دوباره به جامعه بپیوندد.

قاضی با ۷ سال سابقه می گوید:

"در مرحله مهم‌ترین مرحله اجرای حکم و بازسازی نوجوان برای ورود به جامعه مسئولیت مددکاران اجتماعی سنگین‌تر می‌کند. در این مرحله مددکار اجتماعی به‌منظور اصلاح رفتار نوجوان باید با سازمان اجتماعی مرتبط ارتباط برقرار کند".

در قانون تعلیق اجرای مجازات، بر حرفه‌آموزی اشاره دارد، بهتر است حرفه‌آموزی بر اساس روند استعدادیابی و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی فرد استوار باشد. پس هدایت مددجو به‌سوی مشاغل مرتبط با توانایی‌های او و ایجاد بسترهای شغلی، روند شکوفایی مددجو را تسهیل می‌کند، با حذف موانعی که ذکر شد، موفق‌تر خواهد بود. سازمان‌هایی مثل مراکز فنی حرفه‌ای، آموزش و پرورش و سازمان‌های خدمات اجتماعی و دیگر نهادهای غیردولتی می‌توانند در جهت اجرای حکم در مسیر بازتوانی نوجوانان بزهکار کمک شایانی به مددکاران اجتماعی ارائه دهند. همکاری با سازمان‌های حمایتی، هم از بعد مالی و هم نظارتی برای مددکار اجتماعی حائز اهمیت است.

مددکار اجتماعی باید تلاش کند نیازهای اقتصادی و مالی این افراد و خانواده‌هایشان از طریق نهادهای حمایتی، تأمین شود و در صورت عدم کفایت باید از مراکز خیریه و منابع مردمی استفاده شود. آموزش مهارت‌های زندگی و تربیتی به‌طور یقین از عهده یک مددکار اجتماعی در سیستم قضایی خارج است.

قاضی با ۶ سال سابقه کار می‌گوید:

"در قوانین اصلاحی در بحث حرفه‌آموزی مددکار اجتماعی می‌تواند این احکام را به‌درستی اجرا کند و به روش‌های کاری خود نوجوان را جهت حرفه‌آموزی ترغیب نماید".

در مورد ارتباط با خانواده بزهدکار که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند به قانون مجازات اسلامی رجوع می‌کنیم در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ به مشارکت متهم در تداوم زندگی خانوادگی تأکید کرده است. از این‌رو نقش تسهیلگری مددکاران اجتماعی در این ماده بسیار پررنگ و برجسته خواهد بود. در اجرای حکم همراهی خانواده خیلی مهم است. اگر خانواده بپذیرد یا هم‌زمان با اجرای حکم نوجوان در خانواده حضور داشته باشد یا خانواده او را همراهی کنند، بدون شک اجرای حکم موفقیت‌آمیز است. ماده ۴۳ در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به‌نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند. از این‌رو تشخیص اینکه آیا این دستورات در زندگی خانواده تأثیرگذار است؟ یا منجر به اختلال در کارکرد خانوادگی او می‌شود از وظایف مددکاران اجتماعی می‌باشد که با تعامل با خانواده امکان‌پذیر است.

قاضی با ۱۴ سال سابقه کار می‌گوید:

اگر حکم اجرای شود و نظارت و پیگیری نشود مطمئناً دچار مشکل خواهد شد وظیفه مددکار اجتماعی پیگیری و جلب همراهی و همکاری خانواده و جامعه است"

جدول ۴- کدگذاری یافته‌های مربوط به تسهیل خروج از دادرسی

تم اصلی	تم فرعی	کدباز (نکات کلیدی پاسخگو)
تسهیل خروج از دادرسی	تقویت مشارکت اجتماعی	ارتباط با سازمان‌های متولی پیشگیری از جرم همکاری کنند
		نوجوان را با سازمان‌های اجتماع‌محور بعد آزادی مرتبط کنند
		جامعه را جهت کمک به توان‌بخشی نوجوان ترغیب کنند.
		حامی نوجوانان باشند
	توانمندسازی بزه‌کاران	به نوجوان برای کشف استعدادهاى خود کمک می‌کنند
		از تحقیر نوجوان در سیستم قضایی جلوگیری می‌کنند.
		به حفظ عزت‌نفس نوجوان کمک می‌کنند.
		خدمات مشاوره‌ای و روانپزشکی به نوجوانان ارائه می‌دهند
		تلاش برای ادغام مجدد فرد در جامعه از طریق برنامه آزادی مشروط
		...
به حل مشکلات اجتماعی و خانوادگی نوجوان می‌کنند		

۴- تسهیل خروج از دادرسی

برنامه‌های خروج از دادرسی به این معنی است که جوانان از روند دادرسی به سمت جامعه تغییر جهت دهند یا اینکه از همان ابتدا دستگیری وارد سیستم قضایی نشوند. هدف اصلی قضازدایی نوجوانان علاوه بر تسهیل خروج نوجوانان بزه‌کار از سیستم قضایی جهت جلوگیری از ورود آنان هم مؤثر است. زیرا سابقه کیفری و انگ مجرم بودن می‌تواند به فرصت‌های شغلی و تحصیلات عالی نوجوانان در آینده آسیب جدی وارد کند و باعث تکرار جرم شود. مصاحبه‌شوندگان تقویت مشارکت‌های اجتماعی، توانمندسازی را از جمله اقدامات مهم مددکاران اجتماعی در طی فرایند دادرسی نوجوانان بزه‌کار جهت تسهیل خروج از فرایند دادرسی به‌عنوان یک فرصت برای حضور مددکاران اجتماعی در دادرسی نوجوانان بیان کردند.

۴-۱- تقویت مشارکت اجتماعی

درباره ارتباط مددکار اجتماعی با سازمان‌های مردم‌نهاد به‌منظور پیشگیری از تکرار جرم باید گفت وجود مؤسساتی که بتوانند حمایت‌های لازم برای نوجوانان داشته باشند بسیار ضروری است. جرم از جمله مسائل اجتماعی است که بر کیفیت زندگی، رشد اقتصادی، سلامت اجتماعی و سرمایه اجتماعی مردمان جامعه تأثیرگذار است. تمامی تحقیقات و مطالعات متعدد اثبات کرده‌اند که در ارتباط با هر مسئله انسانی، محیطی و اجتماعی مهم‌ترین روش کاهش یا حل مشکل پیشگیری از بروز مسئله است. در واقع به دلایل مختلف پیشگیری بر درمان ارجحیت دارد. در مورد نوجوانان با توجه به حساسیت‌های این مرحله سنی اهمیت بیشتری دارد.

قاضی با ۲۴ سال سابقه کار می‌گوید:

"مددکار اجتماعی باید پل ارتباطی بین خانواده، جامعه و سیستم قضایی باشد. باید سازمان‌هایی اجتماع‌محور هماهنگ شوند و خدمات لازم برای نوجوانان بعد از اجرای حکم به‌منظور توانمندسازی آن‌ها و ورود به جامعه فراهم کنند."

ادغام مجدد نوجوان در جامعه به‌عنوان یکی از روش‌های پیشگیری جرم جزء نکاتی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن تأکید کردند. نقش مددکاران اجتماعی در ایجاد همبستگی گروه‌ها و جوامع تحت ستم و به حاشیه رانده‌شده در راستای توسعه سیستم‌های اجتماعی است

قاضی با ۲۵ سال سابقه کار قضاوت می‌گوید:

"مددکار اجتماعی باید تلاش کند نوجوانان به‌سرعت و به نحو بهتر سیستم قضایی را ترک کنند و وارد جامعه شوند."

حتی آنهایی که در مقطعی به هر دلیلی هنجارهای جامعه را نقص کردند از دیدگاه مددکار اجتماعی، خدمات اجتماعی و سیستم‌های رفاهی باید برای ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی بین آنها و جامعه تلاش کرد. با تمرکز بر پیشگیری و درمان به‌جای تسکین علائم مشکل، مددکار اجتماعی باید بتواند افراد جوامع را در کنار هم قرار دهد تا

به‌طور فعال و به‌صورت جمعی به نفع همدیگر فعالیت کنند. مددکار اجتماعی تلاش می‌کند، پذیرش، انسجام و همبستگی دوباره بین فرد و خانواده و جامعه ایجاد شود که لازمه‌اش این است ارتباطات مخدوش شده ترمیم شود و ساختار خانواده و جامعه دوباره بازسازی و اصلاح گردد در این راستا نیازمند همکاری سیستم خانواده و جامعه است.

قاضی با ۲۹ سال سابقه کار می‌گوید:

"مددکار اجتماعی در داخل سیستم قضایی بر اساس وظایف و اختیارات خود محدودیت دارد. نمی‌تواند وارد جامعه شود و مداخله کند؛ لذا باید با سازمان‌هایی مردم‌نهاد جهت ایجاد مشارکت اجتماعی ارتباط برقرار کند و با دادن اطلاعات لازم درباره شیوع و علل جرائم آنها را جهت اقدام ضروری هدایت کند."

مجازات جایگزین حبس با توجه به اهمیت مشارکت متهم در اجرای آن، با یکی از اصول حرفه‌ای مددکاری اجتماعی به نام اصل مشارکت پیوند می‌خورد، و بدون همکاری نهادهای اجتماعی و دیگر سازمان‌ها اجرایی نخواهد شد.

قاضی با ۲۰ سال سابقه کار می‌گوید:

"در صورتی می‌توان نوجوانان را از سیستم قضایی خارج کرد که نهادهای اجتماعی در امر اصلاح رفتار تلاش کنند و امکانات لازم در این حوزه‌ها قرار گیرد."

۴-۲- توانمندسازی بزهکاران

توانمندسازی از جمله مداخلات مؤثر مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی است که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند. دو واژه توان‌بخشی و توانمندسازی تفاوت اساسی با یکدیگر دارند. توان‌بخشی به این معناست که فرد دور از جامعه را طی فرایندی به حد معمول برسانیم، اما توانمندسازی فرایندی است که فرد را از سطح معمول به سطح بالاتر انتقال می‌دهد. توانمندسازی بیشتر به پیشگیری از مشکلات زندگی روزمره و تأکید بر نقاط قوت توجه دارد. برای تقویت افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها، جوامع و روابط قوی متکی بر اعتماد بین فردی اهمیت زیادی قائل است. مددکاری اجتماعی بیشترین نقش را در مرحله

چالش‌ها و فرصت‌های مداخله مددکاران اجتماعی، ... یحیی‌زاده و همکاران | ۱۸۳

توانمندسازی دارد. زمانی که نوجوان تمامی تبصره‌های قوانین را اجرا می‌کند؛ اما شرایطی که او را به سوی جرم سوق داده همچنان ثابت باشد، زمینه ابتلا و ورود او برای ارتکاب به جرائم سنگین‌تر فراهم می‌شود.

قاضی با ۱۴ سال سابقه کار می‌گوید:

"مددکار اجتماعی با آموزش مهارت‌های زندگی و فنی حرفه‌ای آن‌ها را برای برگشت به جامعه آماده می‌کند که به سازگاری و ادغام مجدد نوجوان به‌عنوان یک عضوی از جامعه کمک کرده و مانع از تکرار جرم می‌شود."

صدور احکام مناسب جهت بازتوانی نوجوان از موارد دیگری بود که مورد توجه مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. طبق قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ قاضی جهت صدور احکام اصلاحی بدین شرح منعی ندارد: ماده ۴۲ تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است: الف) حضور به‌موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر؛ ب) ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی؛ پ) اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی است.

ماده ۴۵ پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند. ماده ۵۶ نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن بزهکار می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر این‌ها را در خارج از زندان انجام دهد.

این قاضی در ادامه افزود:

"یکسری احکام هست اگر به‌درستی اجرا شوند می‌توانند به بازسازی متهم کمک می‌کنند نظر من نیاز به زیرساخت‌هایی از جمله حضور مددکاران اجتماعی دارد"

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد قضات موافق حضور و مداخله مددکاران اجتماعی هستند و مفهوم مرتبط با چالش‌ها یعنی ضعف حرفه‌ای و ناکارآمدی سیستمی می‌باشد و مداخلات ترمیمی و تسهیل خروج از دادرسی به‌عنوان فرصت مداخله مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار به دست آمد. ضعف حرفه‌ای به فقدان مهارت‌های لازم مددکاران اجتماعی در سیستم قضایی برمی‌گردد و ناکارآمدی سیستمی ناشی از غلبه تفکر کیفری بر سیاست‌گذاری‌های قضایی در کشور است.

مداخلات ترمیمی جهت اصلاح و بازتوانی نوجوانان بزهکار و اقدامات مربوط به تسهیل خروج نوجوانان از سیستم به‌منظور کاهش آسیب‌های فرایند دادرسی برای نوجوانان و ممانعت از شکل‌گیری فرایند انگ مجرم بودن به‌عنوان فرصت‌های مداخله مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار مشخص شد. نتیجه فرصت مداخله مددکاران اجتماعی به بازدارندگی و پیشگیری از تکرار جرم منتهی خواهد شد. علی‌رغم اینکه در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سال ۱۳۹۹ به‌طور مکرر از نقش مددکار اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار و لزوم ایفای این نقش در قالب مواد و تبصره‌هایی تأکید شده است، سیستم قضایی همچنان در اجرای آن کوتاهی می‌کند.

مددکاری اجتماعی در هدف خود جهت افزایش و بهبود سازگاری و کارکرد اجتماعی - خانوادگی افراد بزهکار با رویکردهای اصلاحی و ترمیمی پیوند می‌خورد. اما نگرش حاکم در سیستم قضایی کیفری است. بهترین حرفه و مجری برنامه‌های عدالت ترمیمی مددکاران اجتماعی هستند. سیستم عدلیه باید به توانایی مددکار اجتماعی اعتماد پیدا کند این موضوع بخشی به دانشگاه‌ها و قسمتی به دانش‌آموختگان این حرفه مربوط است. با توجه به وجود واحدهای کارورزی برای مددکاران اجتماعی، دانشگاه باید بر تبدیل تئوری به عمل تمرکز نماید تا ضعف‌های آموزشی آنان را جبران کند. دانشجویان لازم است مهارت‌های ضروری علمی و عملی را در کنار هم فراگیرند.

مهارت‌های مددکاری اجتماعی شامل مهارت‌های پایه‌ای عمومی و مهارت‌های اختصاصی و موقعیتی است که نحوه استفاده از آن باهم تفاوت دارد. یادگیری و تبحر در آن نیازمند به یادگیری علمی، تمرین عملی و کسب تجربه در محیط‌های آموزشی (همچون محل کارورزی) است. با توجه به برخورد و مصاحبه پژوهشگر با قضات در تکمیل نتایج این پژوهش لازم است اشاره شود. قضات باید آموزش‌های لازم را درباره الگوی اصلاحی و حرفه مددکاری اجتماعی همچنین روان‌شناسی کودک و نوجوان فراگیرند. مداخله مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار بیانگر نگرش و هدایت سیستم قضایی به سوی الگوی اصلاحی و ترمیمی و فاصله گرفتن از الگوی عدالت‌گرا یا تنبیهی می‌باشد. در الگوی اصلاحی مددکاران اجتماعی نقش فعالی دارند و به دنبال اصلاح رفتار بزهکاران هستند. تا زمانی که نگرش کیفری بر سیستم قضایی حاکم باشد مسئله عدم مداخله مددکاران اجتماعی در دادرسی بزهکاران حتی اگر چند صد قانون دیگر تصویب شود کماکان به قوت خود باقی خواهد ماند.

منابع

- آیین دادرسی کیفری سال مصوب ۱۳۹۲.
- اعتباری باری، سجاد. (۱۳۹۶)، «جایگاه مددکاری اجتماعی در حمایت از کودکان بزه دیده و بزهدکار» مجله: مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه. تابستان، دوره سوم - شماره ۲ (۱۲) صفحه - از ۱۷ تا ۲۸).
- بنی‌هاشم کهنگی، سیده آمنه و همکاران. (۱۳۹۸)، «نگرش‌های اخلاقی اصلاح مدار مجازات‌های سالب آزادی اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان»، مجله پژوهش‌های اخلاقی. شماره ۲: ۶۰-۴۳.
- تاج مزینانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی رفاه جوانان در نظام‌های رفاهی کشورهای توسعه‌یافته و ایران»، مرکز مطالعات اجتماعی و فرهنگی جوانان.
- سجادی، حمید. (۱۳۹۹)، «ارزیابی کیفی الگوی مدیریت دولتی در کاهش آسیب‌های اجتماعی در پرتو مدل پارادایمی»؛ مطالعه موردی سازمان بهزیستی، فصلنامه دولت پژوهی، سال پنجم، شماره ۲۱: ۹۷-۵۹.
- غلامی، حسین و همکاران. (۱۳۹۸)، «الگوی حداقل مداخله در پاسخ به رفتارهای معارض با قانون کودکان و نوجوانان در مجتمع قضایی شهید فهمیده تهران»، فصلنامه حقوق کودک، سال اول، شماره دوم: ۹۸-۷۱.
- غلامی، حسین. (۱۳۹۲)، «الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال و نوجوانان»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲: ۸۹ تا ۱۰۵.
- قاسمی، یار محمد. هاشمی، علی. (۱۳۹۸)، «انجام پژوهش به روش تحلیل تماتیک: راهنمای گام‌به‌گام برای یادگیری و آموزش» (مورد مطالعه: مصرف موسیقی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام) فصلنامه علمی، دوره بیستم، شماره ۶۴ و ۶.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.
- منصورآبادی و همکاران. (۱۳۹۹)، مبانی و جلوه‌های جایگزینی دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال بیست و دوم، شماره اول: ۹۱-۱۱۴.

- Asset Collections: Children's Rights.
- *UNICEF Annual Report 2013_web_26_June2014.pdf*
- Chereni. Admire. (2015). Advocacy in the South African social welfare sector: Current social work research and possible future directions, *International Social Work*, Vol. 60(2) 507–520.
- Cox.Pamela. (2010). juvenile justice reform and policy convergence in the vitnam,youth justice vol 3,-224-227.
- Forbes.PeterJ. (2019). Juvenile recidivism report, massachosetts *Department of Youth Service Juvenile Recidivism Report*
- Hakari.Hakan. (2018). the rghits of the children in Turkish criminal justice system,*journal kripoz*. (5) 304-313.
- Hobson. Jonathan, Twyman-Ghoshal. Anamika, Banwell- Moore. Rebecca, P. Ash. Daniel. (2021). Restorative Justice, Youth Violence and Policing. review of the evidence, *Laws Journal*.
- Kjaerum.Morten. (2020). *the role of social work in juvenile justice intervention experience* Published by the Raoul Wallenberg Institute, ISBN: 978-91-86910-33-4.
- Kleinhans. Lizéle Alexis. (2013). *the views social workrs on diversion programmes for male juvenile delinquent*, Thesis presented in fulfilment of the requirements for the degree of master of Social work in the Faculty of Arts and Social Sciences at Stellenbosch University.
- Kury.Helmut,Redo.Sławomir,Sea.Evelyn. (2016). *women and children as victims and offender: background, prevention, reintetegration, springe*. international Publishing Switzerland, ISBN 978-3-319-28424-8.
- Mari Sätre.A. (2014). Paid and unpaid social work in Russia:Is omen’s social workopening up opportunities for empowerment processes?,*Internationa Social Work*, 57(5) 523–534.
- Mathys. Cécile. (2017). Effective components of interventions in juvenile justice facilities: How to take care of delinquent youths?, *Children and Youth Services* 73(p) 319–32.
- Miler. laurece. (2014). *juveniles crime and juvenile justice:patterns, implicatio for clinical and legal practice*. Published by Elsevier Ltd.122-137.
- Ndichu. Eric. (2008). Saving the Young; Social worker’s Perception Juvenile Crime Preventionin Sweden, International Master of Science in Social Work Degree report 15 Higher Education, Supervisor: *Torbjörn Forkby (PhD) Sciences* 63, 60-’69.

- Paretta. Lawrenc. (2018). The Impact of Public Policy Decisions on Juvenile Recidivism in the United States:A Retrospective Examination,*International Journal of Criminal Justice Sciences* Vol 13 p137-146.
- Sooknanan. j, Comissiong. D.M.G. (2018). A mathematical model for the treatment of delinquent behavior, *Journal of Socio-Economic Planning*.
- van den Brink. (2021). Equality in the Youth Court: Meaning, Perceptions and Implications of the Principle of Equality in Youth Justice,1-27 *sage journal*.
- Young, Susan. Greer. Ben, Church. Richard. (2017). Juvenile delinquency, welfare, justice and therapeutic interventions: a global perspective, published by the *Journal of Royal*.

استناد به این مقاله: حسینی، فاطمه؛ یحیی‌زاده پیرسرایبی، حسین؛ قادری، صلاح‌الدین و غلامی، حسین. (۱۴۰۱). بررسی چالش‌ها و فرصت‌های امکان حضور مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی نوجوانان بزهکار: با تأکید بر دیدگاه برخی قضات، ۹ (۳۲)، ۱۴۳-۱۸۸.



Social Work Research Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.